

# سمت گیری ضد امپریالیستی سیاست خارجی ایران دشمنان انقلاب را به وحشت و خشم انداخته است

یورش خشم آگینی از بلندگوهای تبلیغاتی و نشریات ضد - انقلاب، علیه سمتگیریهای مثبت اخیر در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران آغاز شده است. رادیوهای مزدوران امپریالیسم آمریکا، نشریات مائوئیستهای ضدانقلابی و لیبرالهای پیرو خط برژینسکی، همه و همه از تحولات اخیر ناشاد و خشمگین اند.

یک فرد علاقمند به سر نوشت انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، با دیدن این چار و پنج تحریک - آمیز و ضدانقلابی، که منابع کاملاً مشکوک و «مضحک خوردهای» برپا کرده اند، بیشک نتیجه خواهد گرفت که: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به راه درستی گام نهاده است.

درواقع نیز چنین است. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، پس از ۱۸ ماه که لیبرالهای سازشکار آنرا به وادیها و ورطه های خطرناک کشانند، از دوستان و متحدانش جدا و به دشمنان توطئه گرش «نزدیک» ساختند، کوشیدند تا جمهوری اسلامی ایران را از جبهه نیروهای ضد امپریالیست دور کنند و آنرا تنها و بی یار و یاور در مقابل جبهه مشترک امپریالیستی و وابستگان آن، رها سازند، تلاش کردند آنرا «منزوی» کنند، تا امکان نابودیش را فراهم نمایند، اینک «دنیای جدید»، دنیای قدرتمند ضد امپریالیست را شناخته و جای خود را در کنار کشورهای چون لیبی، سوریه، الجزایر، یمن، دیمکراتیک و سازمان آزادیبخش فلسطین، که آنها نیز علیه امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، و وابستگان آن می - رزمند، یافته است. چنین سیاست خارجی درستی امکان پیروزی توطئه های امپریالیسم آمریکارا بشدت کاهش میدهد و درست بهین دلیل هم مزدوران و هواداران سازش با آنرا چنین به وحشت و خشم انداخته است. ایران انقلابی، اگر دیروز به همت لیبرالها تنها بود و درهم شکستن بقیه در صفحه ۷

## بخش هایی از ارتفاعات منطقه مرزی مهران، از تسلط مزدوران صدام خارج شد

جبهه آبادان صبح پیرروز (جمعه) در اثر آتش موثر توپخانه خودی، آتش دشمن خاموش و تعدادی سنکر منهدم گردید. بعد از ظهر پیرروز (جمعه) در همین جبهه یک تانکر دشمن به آتش کشیده شد و تعدادی از افراد دشمن به هلاکت رسیدند. بر طبق همین گزارش حداقل ۳ خودرو، چندین سنکر گروهی دشمن و ۲ تانک در قسمتی دیگر از جبهه آبادان نابود شدند و تلفات قابل توجهی به دشمن وارد گشته و بقیه در صفحه ۷

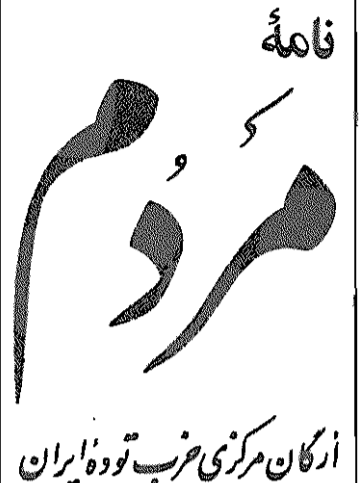
جنگ مدافعان انقلاب با مزدوران متجاوز صدام حسین به منظور بیرون راندن آنان از خاک ایران، بشدت ادامه دارد. به گزارش دفتر مرکزی خبر، به نقل از یک مقام آگاه در ستاد جنگ آبادان، طی حملات روز جمعه خمپاره اندازهای ارتش جمهوری اسلامی ایران در جاده ماهشهر - آبادان، یک تانک با خدمه آن و ۳ سنکر گروهی دشمن بکلی منهدم و حدود ۳۰ نفر از مزدوران متجاوز کشته و زخمی شدند. در بخش دیگری از

## امام خمینی:

این تکلیفی است برای همه جوانان ایران و برای همه ملت که در چنین وقت حساس اختلاف نکنند

هر چه بسر این ملت آمد، از این فرهنگ غریبی آمد

صفحه ۷



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۸۸ یکشنبه ۱۶ آذر ۱۳۵۹، مطابق با ۲۸ محرم ۱۴۰۱، بها: ۱۵ ریال

## سالروز ۱۶ آذر گرامی باد

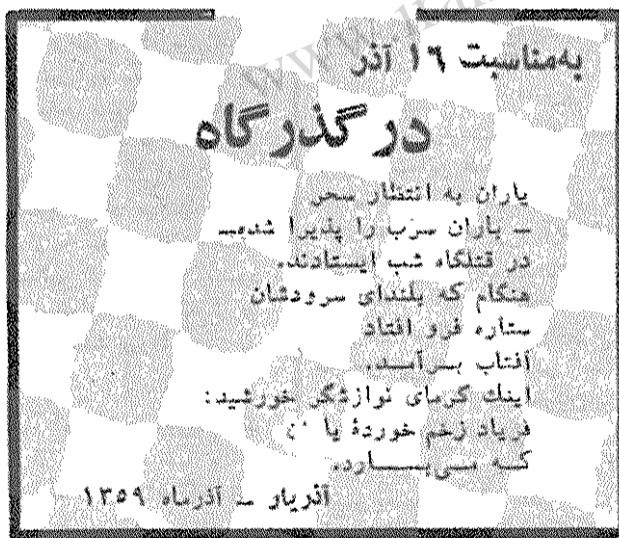
# نسلی که از خون شهدای ۱۶ آذر برخاست، اکنون در جبهه ها با امپریالیسم آمریکایی رزمند

♦ دو دانشجوی توده ای و یک دانشجوی مصدقی با نثار خون خود نضای خفقانی رژیم کودتا را درهم شکستند.

۱۶ آذر ۱۳۳۲، روز خشم، روز فریاد، روز شهادت سه دانشجوی انقلابی، روز «اتحاد، مبارزه، پیروزی» است. در ۱۶ آذر ۱۳۳۲، خروش خشمی که پس از کودتای ۲۸ مرداد، در گلوی مبارزان گره خورده بود، با شعار «مرگ بر آمریکا، مرگ بر ارتجاع»، فضای خفقان را شکافت. مصطفی بزرگنیا، عضو کمیته مرکزی سازمان جوانان توده ایران، مهدی شریعت رضوی، عضو سازمان جوانان توده ایران و احمد قندچی هوادار دکتر مصدق، سه دانشجوی مبارز دانشکده فنی دانشگاه تهران، با تقدیم خون خود به خلق ایران فضای خفقانی رژیم شاه ملعون را درهم شکستند.

مزدوران آمریکایی، پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، تمام نیروی خود را صرف سرکوب و به زندان انداختن مبارزان، بویژه توده ای ها کردند، از جمله در دانشگاه. اما آنها نتوانستند جلوی اتحاد و مبارزه دانشجویان را، که میرفت سر آغاز جنبش نوینی در ایران باشد، بگیرند. در ۲۱ آبانماه سال ۱۳۳۲، دانشجویان دانشگاه تهران، با تعطیل کردن دانشگاه، در تظاهراتی که مردم برای اعتراض به رژیم کودتاجی ترتیب داده بودند، همگام شدند.

در این روز اوباشان به رهبری شعبان بی مخ، به خوابگاه منازل دانشجویان هجوم بردند و عریضه - کسان خواستار تعطیل دانشگاه شدند. آنها به خیال خام خود می - خواستند با سرکوب دانشجویان، جلوی خروش و خشم بحق و آگاهانه آنها را بگیرند. لیکن اقدامات وحشیانه رژیم کودتا نتوانست جلوی روند اتحاد و مبارزه دانشجویان را بگیرد. ماه بعد، در روز ۱۶ آذر ۱۳۳۲ اعتراض دانشجویان بار دیگر فضای دانشگاه را شکافت. اعتراض بحق دانشجویان، بخاطر بقیه در صفحه ۲



## اجلاس ۷ کشور عضو پیمان ورشو در مسکو:

# لهستان سوسیالیستی میتواند بر روی همبستگی برادرانه و حمایت دیگر کشورهای عضو پیمان ورشو حساب کند

ورشو به پیشنهادهای کشورهای سوسیالیستی و دیگر کشورها در سازمان ملل متحد، در زمینه محدود کردن مسابقه تسلیحاتی، اشاره کردند و یادآور شدند که این عوامل می تواند به تسنح زدائی کمک کند.

شرکت کنندگان در اجلاس مسکو تاکید کردند که در آینده نیز مانند گذشته سهم خود را در راه تسنح زدائی و حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات و گسترش بقیه در صفحه ۷

پیش ورشو ثابت کرده است. پیشنهادهایی که بوسیله کشورهای سوسیالیستی برادر در ورشو مطرح شد، با واکنشهای مثبت روبرو شده و این پیشنهادها با منافع ملتها منطبق است.

در اجلاس مسکو، کشورهای عضو پیمان ورشو به گسترش تماسهای سیاسی میان کشورهای دارای نظامهای مختلف و ادامه بحث و گفتگو درباره مسائل گوناگون تاکید کردند. رهبران کشورهای عضو پیمان

کنفرانس رهبران حزبی و دولتی کشورهای عضو پیمان ورشو: بلغارستان، لهستان، جمهوری دیمکراتیک آلمان، رومانی، چکسلواکی، مجارستان و اتحاد شوروی در مسکو برگزار شد.

شرکت کنندگان در این اجلاس درباره روند رویدادهای جهان بحث و تبادل نظر کردند و یادآور شدند که روند رویدادها درستی ارزیابیهای کشورهای عضو پیمان را در اجلاس چندی

تاس افشا می کند:

## برژینسکی خواستار «مقاومت مسلحانه» علیه دولت لهستان گردید

خبرگزاری تاس، درستی گزارشهای مربوط به سخنان تحریک آمیز برژینسکی را در ملاقات با گروهی که «کارشناسان علوم سیاسی لهستان» نامیده شده اند، مورد تأیید قرارداد.

برژینسکی در ملاقات با این گروه، که در چارچوب برنامه مبادلات فرهنگی به آمریکا سفر کرده بودند، توصیه کرده بود که در برابر مقامهای لهستانی، مقاومت مسلحانه، نشان داده شود.

بقیه در صفحه ۲

آیت الله منتظری:

## در شعارهای تان مرگ بر آمریکا یاد تان نرود

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی:

## فرانسه و آمریکا از هم جدا نیستند

حجت الاسلام سید حسین خمینی:

## خطری که بر درمنزلمان آمده است، لمس کنیم

صفحه ۲

# برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

آیت الله منتظری:

# در شعارهایتان مرگ بر آمریکا یادتان نرود

آیت الله منتظری در مراسم باشکوه نماز جمعه قم از جمله گفت: «این جنگ را آمریکائیا ایجاد کردند. خیال میکردند که دو سه روزه تمام خواهد شد، خوزستان گرفته میشود و انقلاب اسلامی هم شکست میخورد. حالا نشد، راه دیگر است همان ایجاد اختلاف، همان کاری که آن یهود در مدینه کرد، آمد و مسلمانها را که با هم رفیق بودند، تحریک کرد و داشت جنگ درست میکرد. هن روزی از یک راه دشمنان میخواهند ایجاد قتنه بکنند، جنگ درست بکنند. من و شما بایستی هوشیار باشیم، توجه داشته باشیم، گول نخوریم. من توصیه میکنم به همه ملت، به همه گروهها، اگر نسبت به هم انتقاد دارید، انتقاد سازنده و دوستانه مانعی ندارد، چنانکه خود من هم گاهی اوقات انتقاد میکنم، اما جواری نباشد که انتقادها خوراک برای رادیوهای بیگانه و دشمنان درست بکند و آنها بفهمند که بین ما دعوا و اختلاف هست. اینجواری نباید باشد و به گروههایی که در ایران هستند، به گروههای اسلامی من دوستانه تذکر میدهم که به ملت بیبوندند، به جمع بیبوندند، جدا از اجتماعات مردم نباشند. اگر از اجتماع جدا باشند، دشمن بفکر سوءاستفاده از آنها می افتد. من خدای ناکرده نمیخواهم بگویم گروهها مستقیما با دشمنان همکاری دارند، بی جهت نمیخواهم به کسی تهمت بزنم، اما بسا این گروه گرائیها و دسته بندیها دشمن را به طمع بیندازد. ما نباید کاری کنیم که دشمن به طمع بیفتد. حالا ببینید من از روزنامه جمهوری اسلامی یک قسمتی که مربوط به گذشته است، نقل میکنم: اما ببینید در دنیا چه میکردند: آقای برژنفسکی، که مشاور امنیتی کارتر است، دستور میدهد به وزارت خارجه آمریکا، نظریات آقای کارتر را برای آقای وزیر خارجه منعکس میکند که عمل کند و یکی از دستورات این است. آقایان خوب دقت کنند. مخصوصا گروههایی که در ایران هستند دقت کنند به این متن رئیس جمهور همچنین تاکید کرد (آقای کارتر) که باتوجه به قابل پیش بینی نبودن حوادث، تحولات آینده در ایران الزاما مهم است که آمریکا با تمامی رهبران سازمانها و گرایشهای سیاسی بدون استثناء من جمله اقلیتها و گروههای افراطی که قادرند مقاومتهای مسلحانه علیه رژیم خمینی را تحریک کنند، تماسهایی برقرار نماید، یعنی وزارت خارجه هر طوری که میتواند با روسای گروهها تماس برقرار کند، او که نمی آید بگوید من وزیر امور خارجه آمریکا هستم، نمیگوید که من عامل سیا هستم، راههای مختلف دارد. پس ای گروههای اسلامی من نمیگویم و خدای ناکرده نمیخواهم شما را متهم کنم که شما با دشمنان بند وبستی دارید، اما این حرف که گروه بندیهای ما در آن طمع ایجاد میکند، تلاش میکنند که از راه ایجاد اختلاف و جنگ از ما سوء استفاده کنند، برای اینکه به دشمن توده های بزرگ و بفرمانیم که از ما نشود سوء استفاده کرد، علیرغم آنچه که دشمن میخواهد از دوستگی ما سوء استفاده کند، بیایید و به جمعیت و به همه ملت بیبوندید»

آیت الله منتظری افزود:

«تذکر دیگر اینکه همانطور که گفتیم، آمریکا هر روزی به یک وسیله ای میخواهد این انقلاب اسلامی را از بین ببرد. شما یادتان نرود. دشمن بزرگ ما آمریکا است. قوی شعارهایتان مرگ بر آمریکا آمریکا یادتان نرود، چنانچه مرگ بر صدام هم یادتان نرود. آمریکا در خاورمیانه منافع دارد، برای منافعش مجبور است دشمنی بکند. از جنگ که نتیجه تکرر است، ممکن است گروهها، طبقات مردم آفرادی را تحریک بکنند، از جمله چیزهایی که اخیرا شنیده می شود، در بین ارتش تبلیغاتی بر علیه روحانیت است. ای برادران ارتشی، بعد از انقلاب، روحانیت بود که حامی ارتش بود، رهبر انقلاب بود که حامی ارتش بود. بعضیها علیه ارتش تبلیغات میکردند و رهبر انقلاب و روحانیت از ارتش دفاع میکرد. الان دشمنان، ضد انقلابها، که می خواهند ارتش را و ملت و روحانیت را از هم جدا کنند، ملت و ارتش و روحانیت و سایر قوای نظامی و انتظامی همه باید با هم متحد و هماهنگ باشیم و این انقلاب را به پیروزی نهایی برسانیم. آنها میخواهند که این مبارزه ما تضعیف شود و از بین برود و انقلاب شکست بخورد و دشمنان بر اهلای مختلف وارد میشوند. بدانید که ضد انقلاب است که ارتش را علیه روحانیت و روحانیت را علیه ارتش، یعنی میروند و تحریک میکنند ملت را علیه ارتش، ارتش را علیه ملت تحریک می کنند و جدا، جدا که بشود، گوسفندها که جدا، جدا بشوند، از آن جوان که جدا بشوند، گرگها میخورند آنها را. ملت، ارتش، روحانی، هر طبقه ای، از رهبر انقلاب جدا نشود، زیر چتر وحدت رهبر انقلاب بماند و در پیشبردن انقلاب کوشش و جدیت کنید. باشد که به برکت همه شما این انقلاب به پیروزی نهایی برسد. انشاء الله.»

## تاس افشامیکنند...

بقیه از صفحه ۱

تاس نوشت: برژنفسکی همچنین در این ملاقات ادعا کرد که اقتصاد لهستان دچار هر چه مرج

شده است و لهستان برای آنکه اعتبار مالی بدست آورد، باید به صندوق بین المللی پول ملحق شود. تاس نوشت: بخوبی روشن است که این باصلاح توصیه میتواند از سوی مردم لهستان و افکار

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی:

# فرانسه و آمریکا از هم جدا نیستند

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی در مصاحبه ای با «سی. بی. اس»، شبکه رادیو تلویزیونی سراسری فرانسه گفت که: «دکارت در همه توطئه ها علیه ایران به شکل مستقیم و یا با واسطه دخالت داشته.»

## حجت الاسلام سیدحسین خمینی: خطری که بر در منزلمان آمده است، لمس کنیم

«امروز آن کسانی که زیر چتر آقای بنی صدر جمع شده اند، می خواهند علیه امام وارد عمل شوند.» حجت الاسلام سیدحسین خمینی، نوه امام خمینی، در گفتوگوئی با روزنامه اطلاعات، با اشاره به حوادث اخیر ضمن ابراز سخنان بالا از جمله گفت: «اینجا میخواهند علیه امام وارد عمل شوند. اینان امام را فقط مقابل خود می بینند والا دیگران که آن اندازه برای آنان خطر ندارند. ولی امروز وقتی نمی توانند به امام چیزی بگویند، به آیت الله منتظری می گویند... امیدوارم آقای بنی صدر موضوعش را در مقابل این بی انصافها روشن کند.»

من بار دیگر میگویم، من آقای بنی صدر را دوست دارم، ولی متأسفانه آن عده ای که دور ایشان را گرفته اند، شلوغ می کنند. آن عده ای که همه می شناسیمشان. چه شد که آنها تکیه تا چندی پیش در خارج از کشور به خون یکدیگر تشنه بودند، یک مرتبه دوست صمیمی یکدیگر شدند؟ چه شد که آقای بازرگان و آقای سبحانی آمده بودند خدمت امام و عینک خودشان را از زور ناراحتی آقای قطب زاده زمین زدند، ناگهان عزیز عزیزانشان شد؟ چه شد که آقای قطب زاده که با آقای بنی صدر مخالف بود، خود را یک مرتبه جزو طرفداران ایشان قرار داد؟ چه شد که آقای قطب زاده ای که می گفت آقای یزیدی گذرنامه و یا برگ سبز از آمریکا گرفته است، یعنی از قراری که می گویند، این یک نوع تمهیدی است که به آمریکا خیانت نکند و این را دلیل می گرفت که او به امام نزدیک نشود، ناگهان یار و یاور هم دیگر شدند؟ و چه شده ای دیگری که اگر حال کنم و وقت، منوی هفتادمن کاغذ شود. چه شد که آقای بازرگانی که در پاریس آمده بود، چون امام فرمودند موضوعش را در مقابل رژیم مشخص کن، یعنی بگو رژیم شاهنشاهی را قبول نداری، آنوقت بیا پیش من، آقای بازرگان قبول نکرد و امام هم او را راه نداد و برگشت ایران، بعد در چند سخنرانی گفت، امام فرمودند برو کابینه را تشکیل بده، که من از امام پرسیدم: ایشان فرمودند یادم نیست. و آقای قطب زاده که مخالف آقای بازرگان بود و می گفت این همیشه عقب تر از مردم است، و من آقای قطب زاده را در مقابل خانه امام در پاریس گرفتم و گفتم چه شد که شما برای آقای عزت الله سبحانی و آیت الله طالقانی نامه نوشتید نه برای آقای بازرگان، گفت این پیرمرد خرفت شده است و من تنها عقیده دارم که باید راه امام را رفت، یک مرتبه آقای بازرگان بدون آقای قطب زاده عزیزش آب از گلویش پائین نرفت؟ چه شد که آقای علی اصغر حاج سیدجواد یک مرتبه یادش آمد قانون اساسی شاهنشاهی هم محتوایش خوب است و کار دانشجویان پیرو خط امام بزرگترین خیانت است؟ چه شد که آقای بنی صدر وقتی رئیس جمهور شد، آقای قطب زاده جلوی من به عیویم گفت بزرگترین فاجعه تاریخ رخ داد و امروز رئیس جمهور عزیزش شده است؟ ترا بخدا نکند، این کارها بد است، این هماهنگی و رفاقت تاکتیکی بد است. امروز دشمن امام را هدف قرار داده است. وقتی دید اختلافات داخلی امام را از پای در نیارود، جنگ تمحیلی را آغاز کرد. وقتی دید جنگ امام را نمی تواند از پای در آورد و مردم را منسجم کرد، جنگ و اختلافات داخلی را برپا نمود، وقتی دید هر دو ممکن است نتواند امام را از پا در آورد کانال اطلاعاتی امام عنوان شد. وقتی دید همه اینها ممکن است اثر مطلوب رانبخشد، ناگهان فقط معصوم اشتباه نمی کند عنوان شد. وقتی دید همه اینها ممکن است اثر نکند، نامه خصوصی به امام در سطح مدارس پخش می شود. وقتی همه اینها اثر نکند، عکس آیت الله منتظری یار امام است در مشهد پاره می شود، بعد چی، خدا نیارود آرزو را. خواهران و برادران عزیزم! من به عنوان یک برادر از همه شما می خواهم که خطری را که بر در منزلان آمده است، لمس کنیم. خطر نه تنها حزب و روحانیون حزب و اصولا تمام روحانیون نیست، که حمله به اینها موجب تقویتشان است. خطر آرزوی است که دولتمردان برای ریاست از امام خرج کنند و یا برای ریاست امام را از اثر بیاندازند که نخواهند توانست. آری همه اینها جمع شده اند تا امام را از جمع جدا کنند. بحمدالله کسی نمی تواند مرا متهم کند که تو حزبی بوده ای و یا هستی. چون من رابطه ام از قبل با آقای بنی صدر روشن بوده است. آخر این چگونه انصافست که امام بفرمایند ساکت باشید، آنوقت این گونه در مشهد و تهران توطئه کنند؟

آمریکا جنگ عراق علیه ایران را موجب شد و سپس پادشاهی های اردن و عربستان سعودی، کویت و سایر عمال خود را در آمریکا به حمایت از عراق مجبور کرد.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در مورد گروگانها گفت که: تنها با قبول شرایط پیشنهادی ایران از طرف آمریکا گروگانها آزاد نخواهند شد، بلکه در صورت اجرا و پیاده شدن شرایط، گروگانها آزاد خواهند شد.

رئیس مجلس شورای اسلامی ایران مجددا به موضوع جنگ عراق علیه ایران اشاره کرد و گفت:

روز اول جنگ عراق علیه ایران، سفیر آمریکا به رژیم

## سه روز ۱۶ آذر...

بقیه از صفحه ۱

رورد نیکسون، معاون رئیس جمهور وقت آمریکا بود. در این روز مصطفی بزرگ نیا عضو کمیته مرکزی سازمان جوانان توده ایران و یکی از سه شهید مبارز آنروز، خوشحال وارد دانشگاه شد. وی که شب قبل دیوارهای اطراف دانشگاه و زاندارمری را با شعار «مرگ بر آمریکا و مرگ بر شاه» تزئین کرده بود، با بازدید دوباره آنها و اطمینان از اینکه هنوز شعارها زینت بخش دیوارها هستند، راضی وارد کلاس شد. چند لحظه بعد، مزدوران رژیم کودتا برای بازداشت ۲ دانشجوی راه و ساختمان، در حالی که مسلسل به همراه داشتند، وارد کلاس شدند. دانشجویان که نقشه پیاده کردن اعتراض خود را برای ورود نیکسون در سر می پیروانند، با دیدن این عمل از سوی مزدوران آمریکایی، به نشانه اتحاد با دو دانشجوی راه و ساختمان، به همراه استادان خود از کلاس خارج شدند و با شعار «مرگ بر شاه مزدور» در محوطه دانشگاه گرد آمدند. تظاهرات دانشجویان، کد ره لحظه اوج بیشتری میگرفت، باعث وحشت جنایتکاران مزدور شاه شد. دژ خیمان دست نشاندگان آمریکا، به تصوراتی که می توانند با گلوله های خود، فریادها را در گلو خفه کنند، دانشجویان را به مسلسل بستند و با شهادت سه دانشجوی مبارز و بجا گذاشتن دهها زخمی، برگ دیگری بر جنایات ننگین خود افزودند.

سه شهید مبارز: مصطفی بزرگ نیا، عضو کمیته مرکزی سازمان جوانان توده ایران، مهدی شریعت رضوی عضو سازمان جوانان توده ایران و احمد قندچی هواندار دکتر مصدق، بانار خون خود به خلق ایران نشان دادند که انقلاب زنده است. آری، مزدوران دست نشاندگان آمریکا، نمی دانستند که با بخون کشیدن

اشغالگر قدس اطلاع داد که این هواپیماهای عراقی که به اردن آمده اند، برای این است که از حمله های هوایی ایران محفوظ باشند و شما ناراحت نباشید. این مسئله نشان میدهد که قبلا عراق، اردن، آمریکا و رژیم اشغالگر قدس کارهایشان را هماهنگ کرده بودند. فرانسه با اشاره آمریکا در محاصره اقتصادی علیه ما شرکت میکند و الان هم به عراق اسلحه میدهد. فرانسه و آمریکا از هم جدا نیستند و بطور کلی اردوگاه غرب حامی عراق است، به این دلیل که با جمهوری اسلامی ایران مخالفند، زیرا ما منافع آنان را در منطقه به خطر انداخته ایم، ما با رژیم اشغالگر قدس خواهیم جنگید.

بهترین فرزندان مبارز ایران، شعار، «اتحاد، مبارزه، پیروزی» جان می گیرد و ۲۶ سال بعد، در انقلاب شکوهمند ایران، به نمر میرسد.

از آن پس، یعنی از ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲ تا بهمن ۱۳۵۷، جنبش دانشجویی در ایران مسیر پر پیچ و خمی را گذراند: علیرغم فشارهایی که از سوی رژیم دیکتاتور آمریکایی به دانشجویان وارد میشد، سنت مبارزه در بین دانشجویان زنده ماند و هر روز بیشتر از پیش شکوفان شد. دانشجویان متعهد با وجود فضای خفقان سنگین دیکتاتوری در رژیم گذشته ۱۶ آذر، روز دانشجو، را در شرایطی مخفی برگزار می کردند. پس از پیروزی انقلاب شکوهمند ایران، برای اولین بار این فرصت بدست آمد، تا در فضای باز و در شرایطی کاملا تازه، مراسم این روز مقدس با شکوه هر چه بیشتر برگزار شود. در ۱۶ آذر سال گذشته، از سوی دانشجویان دمکرات ایران، مراسم در دانشگاه تهران و دیگر دانشگاههای ایران برگزار شد. در این روز برای اولین بار، رفقا، همسنگران و خانواده های سه شهید مبارز توانستند پس از ۲۶ سال در شرایطی آزاد، از مبارزه، زندگی و رزم آنها سخن بگویند.

امسال نیز دانشجویان متعهد و مومن به انقلاب در جبهه و پشت جبهه نبرد، متحد و هم دوش با دیگر رزمندگان ایران، علیه تجاوز آمریکایی رژیم صدام در مبارزه اند. آری، شعار «اتحاد، مبارزه، پیروزی» در ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲ در دانشگاه متولد شد، در انقلاب شکوهمند مردم ایران در خیابانها بارور شد و هم اکنون در مرزهای ایران و در پشت جبهه، تکامل می یابد. خاطره شهیدان دانشجو را گرامی میداریم و با الهام از مبارزه خونین و متحد آنان، به پیکار در راه استقلال، آزادی و ترقی ایران ادامه میدهم.

# در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم

آمریکائی همچنان به تکذیب این ملاقات ادامه دهند، این خبرگزاری می تواند به حافظه این مقامها یاری کند و اسامی افراد شرکت کننده در ملاقات را برای اطلاع همگان منتشر سازد.

عمومی بین المللی تنها بعنوان مداخله مستقیم در امور داخلی لهستان تلقی شود. سخنگویان برژنفسکی تلاش دارند این ملاقات را تکذیب کنند. تاس تاکید کرد: اگر مقامهای

تاس نوشت: برژنفسکی همچنین در این ملاقات ادعا کرد که اقتصاد لهستان دچار هر چه مرج

# فرد و اجتماع

مارکسیسم تکامل آزادانه هر فرد را شرط ضرورت تکامل سرآبای جامعه نوین می‌داند

مخالفت بینش علمی مارکسیستی از شیوه "تنها به قاضی رفتن" (و ناگزیر از خود کاملاً راضی بازگشتن) خوب استفاده می‌کنند و تریبون‌های مختلف در اختیار آنهاست. تا مارکسیسم دل‌خواه و من‌درآوردی خود را رد کنند!

درافسانه‌های خلقی آلمانی از دهقانی حکایت می‌شود که، روزی از روزها به یک ضربت هفت یکس مزاحم را له‌لوده کرد و سپس نام خود را گذاشت "به یک ضربت هفت"، و همین عنوان چنان موجب شهرت او شد و جنان رعبی از او در دل‌ها افکند و جان خود او را به خود مطمئن کرده بود، که تا مدتها کارش روبراه بود! این له‌لوده‌کشدگان مارکسیسم در کنج عزلت نیز شخص را بی اختیار به یاد آن روستایی لانزن می‌اندازند. جمل مقفرسایها و زبان‌فرسایها که در باره رابطه مارکسیسم با آزادی، رابطه فرد و اجتماع در جامعه سوسیالیستی، هنای دیکتاتوری پرلتاریا، مسئله تضاد در مارکسیسم، نظر مارکسیست‌ها درباره دیکراسی و هنای این‌واره می‌شود. ولی همه این بحسب‌های اصطلاح علمی، از نوع همان تنها به قاضی رفتن کذافی است، و همه این پهلوانی‌ها در رد کردن و تارومار کردن بینش مارکسیستی، به شیوه همان روستایی لاف زن عمل می‌کنند.

از مجموع این مسائل که مطرح می‌کند، در این نوشته می‌خواستیم تنها به یک مسئله بپردازیم و آن مسئله فرد و جامعه و رابطه این دو با یکدیگر است.

خلاصه دعوی ردکنندگان نام‌آور مارکسیسم در این عرصه آن است که گویا فرد یا شخصیت انفرادی انسانی، از نظر مارکسیسم فاقد هرگونه نقش قابل ملاحظه‌ای در جامعه است و تنها به یک دیگ است که باید در اجاق جامعه سوخته شود و حتی خاکستر هم از خود برجای نگذارد، تا آبی را به سود کسانی ببرد. فرد محسور است بکلی در اقیانوس جامعه مستحیل گردد و دارای کمترین حقی نیست و محکوم مطلق فرمان ار بلااست.

سین ردکنندگان مارکسیسم از این "اسندلال" خود نیز ناراضی و بریشان خاطر می‌نویسند که می‌باید جبری به سود مارکسیسم گفته باشد! می‌باید گفته باشند که اگر مارکسیسم‌ها فرد را محسور می‌کنند و در جامعه مستحیل می‌کنند، پس شیوه جامعه هستند و می‌خواهند خیر و نفع کل را بر حرو نفع جز مسلط سازند، و شاید از این لحاظ عقیده مارکسیست‌ها در نظر کسانی برنگد از آب در نیاید! لذا فوراً خود را اصلاح می‌کند که، خیال نکند خرد کردن شخصیت انفرادی فرد به نام جامعه، در واقع به خاطر جامعه است. ابتدا مطلب اینطورها نیست، بلکه خود جامعه و سخن‌وری در باره آن تنها وسیله و افزار عوام-هریعی برای نیل به قدرت است. پس مارکسیسم بعی این‌گونه قدر طلب، افراد انسانی و شخصیت انسانی را به "پناه" نفع جامعه سرکوب می‌کند، به نفع پناه که گویا جامعه را جلو می‌برد، ولی آنرا هم دروغ می‌گویند و آخربس مطلوب آن‌ها این است که خود را به قدرت و حکومت برسانند، نه حکومت که رسیدند، جامعه را هم همراه فرد در چاه آبدار سرکوب می‌کنند به عنوان "دیکتاتوری پرلتاریا" در واقع "دیکتاتوری" خود را برقرار می‌سازد و به کام دل خود هرچه می‌خواهد احمام می‌دهد!

این سوءتعبیر از مارکسیسم، که ما آنرا به بیان خود خلاصه کردیم و در این‌جا عرضه داشته‌ایم، یعنی نشان دادن این بیس اعلاسی به عنوان "حد اعلا ری‌دال" و سوءتفاهم سالوساه منشی دیوانه "قدرت طلب" تفسیر تازه‌ای نیست. از زمان سیدایس مارکسیسم "تئوری دان‌های پیدا سدد که حواسند این سین انسانی و خلقی را (که با صداقت و بی‌گیری علمی در جستجوی یافتن راه‌حل‌های واقعی برای گسودن گره‌های مختلف زندگی بشری ماسد مقرر و ایستگی، سردگی، جنگ، نادانی و وایس‌ماندن است) حسین تعمیر کند. این ماسدگان طلسمه ساف یا ران‌بار طبقات و سرهای مزار و عارتگر، نامیندگان جان‌ها، ارباب‌ها و سرانجام داران بزرگ) برای یوشادن ماهب خود، برای فریسن نوده‌ها، برای جلوگیری از رسد آگاهی آنها، اکنون حداقل صدوسیال است که س و روز، مسول‌باقتن این اناطیلید و آن‌ها را حورود طالبانسن می‌دهند و اگر حردمدان‌سرس ساس‌ها را هم دریافت دارند، قاع سددسی سیند، رسا به دعای خود احمام دارند. ایک بد نیست که س از طرخ مسئله از جانب مخالفان مارکسیسم، به خوداین‌نکته سرداریم و سیم که موافق سین علمی و انسانی مارکسیستی، رابطه فرد و جامعه چگونه است و آیا دعای مخالفان مارکسیسم در اس رسد تا جهد صد می‌کند.

البته بحث در این‌باره، در خارج‌وسون‌های محدود رورانه و ران و سوسوه رورانه‌نگاری، نه‌ماحاز بحث محدود و ساده سدهای است و ما تا صرح این‌جهت "بحث، می‌کوسم تا تک عمده را در این‌باره، آه، سوم. در مارکسیسم به مفهوم را از یکدیگر جدا

بروز می‌کند، در "زن‌های زیستی او نهان است و زندگی چیزی جز گسترش و بیداری این مختصات نهفته نیست.

مارکسیسم با قاطعیت بر آن است که انسان، برخلاف همه دیگر جانوران، فردیت و شخصیت خود را تنها و تنها در دامن جامعه کسب می‌کند و بدون کار و افزار و زبان و نیازهای ناشی از آن، انسان، انسان نمی‌شود، انسان از زنجیر حیوانیت رهایی نمی‌یابد.

اینجا، جای غوطه‌زدن در این بحث مشغ نیست. تنها کافی است یادآور شویم که تکوین انسان بعنوان نوع، در روند کار تولید انجام گرفته است. در جریان کار و ایجاد افزار و اشیاء (محصولات کار) انسان شخصیت خود را بسازد، عامل، از جهاتی که نعره عمل اوست، مجزا می‌سازد، ولی در سرآغاز تاریخ حامل آگاهی هنوز فرد جداگانه انسانی نبود، بلکه دودمان باطایفه‌خونی (زائس) بود، و بسا به تصریح مارکس، در نتیجه نازل بودن سطح وسایل تولید "فرد جداگانه نسبت به دودمان (طایفه‌خونی) نمی‌توانست کسب استقلال کند." (مارکس: اشکال ماقبل تولید سرمایه‌داری، ۱۹۴۵، ص ۱۸) یعنی "حقوق و تکالیف فرد، حقوق و تکالیف فردی نبود، بلکه حقوق و تکالیف دودمانی بود." (همانجا، ص ۲۱-۹۹)

س با تصریح مارکس: "در جریان تکامل تاریخی - و اتفاقاً در نتیجه آنکه در اثر تقسیم کار بین انسان‌ها، مناسبات اجتماعی بناگزی به اموری مستقل مبدل می‌شوند- تفاوت بین زندگی هر فرد بعنوان فرد و زندگی اش، در آن حد که تابع این یا آن رشته کار است (و همه شرایطی که به این واقعیت مربوط است) پیدا می‌شود." (کلیات، ص ۲-۷۷)

این تفاوت، س از سیدایس مالکست خصوصی و تقسیم جامعه به طبقات متناقض تنسید می‌گردد، زیرا دیگر استعدادات فرد بسبت که‌مایه تقسیم نفس‌های اجتماعی بین افراد است، بلکه وضع اجتماعی اوست که در پایه این تقسیم نفس اجتماعی قرار دارد.

در اسر تقسیم کار اجتماعی، همه عرصه‌های فعالیت انسان به صورت سازمان‌ها (سپاده‌ها) درمی‌آید و کار یک‌فرد (هرکسی که ساد) به صورت عمل‌کردی برور می‌کند که بخشی است از وظایف عمومی. بدین‌سان هدف اجتماعی فعالیت‌فرد از خود این فعالیت جدا می‌شود و حتی به صورت یک نیروی خارجی در روبروی او فرار می‌گیرد (ما اومقابله پیدا می‌کنند)؛ و فرد را وامی‌دارد عمل‌کردی را اجرا کند که اهمیت و معنی آن عمل برایش روشن نیست. بدین‌سان از خود بیگانگی کار اجتماعی انسان بدید می‌شود که در نتیجه آن، فرد نمی‌تواند یکس و همانند یابد، بلکه آن "مرد، بحمیل جامعه‌برخوین می‌سرد و لذا برای اشه کسب شخصیت کند، راه این کسب شخصیت را در مقابله و تنازع فرد و جامعه می‌یابد. س در برده این مقابله و تنازع فرد و جامعه، در واقع تضاد خود رندگی اجتماعی فرارگره است و نقابل فرد و جامعه امری محتوم است که سوان از آن اجزاحسب.

در جامعه بردگی یونانی قدیم، فصلت انسانی را سها حاص افراد آزاد (که در طلسمه یونان سها او را "انسان طبیعی" می‌دانسند) می‌سردند و بردگان را احد سبتی حاندر" سرل می‌دادند.

در نظام فئودالی، که در آن سلسله مراتب سرها و رمرها رقرار بود، فرد بخودی خود دارای موقعیت قائم‌مالدات نبود، و وظایف و حقوق او به رمر و وضعی که بدان تعلق‌داسد مربوط می‌سدد.

بیداس سرمایه‌داری در وضع بردحولات حدی ایجاد کرد. کارفرمانی خصوصی سرمایه‌داری، بدون ابتکار و تدبیر خصوصی و شخصی افراد، امکان‌پذیر بود، لذا برخاس رصردنظام فئودالی بصورت مطالعه "آزادی" مطرح سدد. این اندیشه در تکامل تدریجی خود از مرز

می‌کنند: "فرد" و "فردیت" و "شخصیت فردی" (یا به‌سادگی: "شخصیت").

(۱) مفهوم "فرد" یا "فرد بشری" تنها بیانگر متعلق بودن به "نوع انسانی" است و مشخصات همین اجتماعی یا روانی آن فرد را بیان می‌کند؛

(۲) از واژه "فرد" در روان‌سناسی اصطلاح "فردیت" منسب سده است. مفهوم "فردیت" نیز با "فرد" تفاوت دارد. "فردیت" مجموع ویژگی‌های جسمانی و نفسانی است که یک فرد انسانی را از افراد دیگر مجزا می‌کند و این ویژگی‌ها در سیر تکوین انسانی فرد، یا به ارت رسیده و با در جریان زندگی رسد و تکامل یافته است؛

(۳) اما مفهوم "شخصیت فردی" یا "شخصیت"، یعنی "انسان تمام عیار"، که دارای ویژگی‌های فردی و نفس‌ها و عمل‌کردهای اجتماعی است که آن فرد انجام می‌دهد.

در "حب‌های درهم‌اندیشه‌ای که کارسماان خودخوانده" مارکسیسم احمام می‌دهد، از این نعاوت‌ها خبری ندارد. ما هم در این‌باره صحبت نمی‌کنیم و موافق اصطلاح مداول در بر آن‌ها، "فرد" را به همان معنی "شخصیت فردی" می‌گیریم و در این نوشته به همان اصطلاح فرد، سنا به‌اس معنای اخیر، اکفا می‌کس.

"فرد" بدین معنی، از لحاظ سینس مارکسیستی، محصول تکامل اجتماعی، حامل مناسبات و روابط اجتماعی است و حیات مجزا ندارد، بلکه بخشی است از "جمع" (کلیت) ماسد: صفا، فشرها، طبقات، طبق‌ها، ملت‌ها، احمامات بزرگ انسانی، جامعه بشری.

انسان از همان آغاز بعنوان فردی دارای شخصیت انسانی رانیده می‌شود، بلکه در آغوس جامعه است که محتص انسانی را، حال‌لحاظ نوعی و چه از لحاظ صرفاً انفرادی کس می‌کند. انسان جدا از جامعه به‌شخصیت‌انسانی، به‌فردی از نوع انسانی بدل نمی‌شود، رسا از خودآگاهی انسانی، به‌علت فرا بکرش ران، کار، افزار، اندیسدن، فرهنگ مادی و معنوی محروم می‌ماند.

به همین حسب مارکس می‌گوید:

"افراد انسانی، خود از جهت فیزیکی (یا جسمی) و خواه از جهت نفسانی یکدیگر را ایجاد می‌کنند." (کتاب- حلد ۳- ص ۳۶)

ولی مارکس فرد انسانی را سها محصول سفعال اجتماع نمی‌سرد. فرد انسانی در جریان حیات اجتماعی خود دارای یک "جهان دوری" می‌شود که ساه و مسخ اولیه رفتار او سده به افراد دیگر و سپاده‌ها و موسسات اجتماعی است. مساببات این روندها، بعنی فراگیری سایرین خارج و اسرار محتص فردی خود (که در برد هر فرد انسانی به نحوی است) موجب بیدایس روندهای اجتماعی است. لذا مارکسیسم بر آن است که:

"همان‌طور که جامعه، فرد انسانی را بدید می‌آورد (می‌سازد)، به‌همان نحو فرد، جامعه را بدید می‌کند." (آثار اولیه مارکس و انگلس، سال ۱۹۵۶ صفحه ۵۸۹)

بدین حسب فرد انسانی موجودی است اجتماعی و خودآگاهی او محصول این اجتماعی بودن است و سین فرد و جامعه رابطه متقابل آمربسری وجود ندارد.

انسان، بدون مارکس، خود را در آنسه انسان‌های دیگر نمی‌سدد و می‌سدد. مارکس می‌گوید:

"ماهیت انسان چیزی مجرد که خاص فرد جداگانه‌ای باشد، نیست، بلکه ماهیت انسان در واقعیت خود، مجموعه مناسبات اجتماعی است." (کتاب- ص ۳-۲)

این تعریف مهم مارکسیستی در مقابل احکام مسطه‌آمر انان‌سناسی بورروانی قرار دارد که ماعب انسان را سها یک حصیه مجرد ریسی (سیولوریک) می‌سردند و حسن دعوی دارند که محتص هر انسانی، که در شخصیت نفسانی او

چهاردهم تا اواخر قرن هجدهم، کم‌کم به صورت مطالبه حقوق مدنی و سیاسی برای همه افراد اجتماع درآمد. در اینجا حتی نقش جامعه در برده قرار می‌گرفت و نوعی خود-خواهی بدون قید رط اصالت می‌یافت. در همین دوران است که سوسه تفکر بورروانی "لیبرال" زائیده می‌شود و مفهوم "آزادی"، جدا از بررسی تضادهای درونی جامعه، در آغاز ساده‌گرایانه و بعدها سالوساه و مودیانه، برجسته می‌گردد.

در نظام سرمایه‌داری، تخصص و تشعب در فعالیت اجتماعی، اشکال بسیار متنوع کار و شغل پدید آورد، ولی بناچار میدان عمل هر فرد را تنگ‌تر و تنگ‌تر ساخت و شخصیت فرد احد آن عمل‌کردهای محدودی که جامعه‌برایش مقرر می‌داسد، تنزل یافت. تبدیل کارانسانی به کالایی که در بازار سرمایه‌داری در معرض خرید و فروش است، از خود بیگانگی انسان را تشدید کرد، زیرا در این شرایط انسان به‌سها به شخصیت تمام عیار، بلکه به‌سها وسیله اجراء عمل‌کرد معین وارد صحنه زندگی می‌سود. مناسبات انسانی‌ها از مناسبات افراد انسانی، به مناسبات "عمل‌کردهای انتزاعی" آنها تبدیل می‌گردد، یعنی به مناسباتی که فاقد شخصیت است. کارفرما کاری به "شخصیت انسانی" کارگر یا کارمند ندارد. برایش کارائی و بهره‌دهی او در فعالیتی که به او مراجعه می‌سود، مطرح است، و در برابر کارگر نیز کارفرما فرار سارد. بلکه "شرکت" و یا "کسانی" بلاشخصیت قرار دارد. لذا اشیاء شخصیت می‌یابد و اشخاص فاقد شخصیت می‌شوند یا سبتی می‌یابند و بین "جهان دوری" فرد و جهان برونی و اجتماعی تضاد فاجعه‌آمیزی بدید می‌آید. بدینسان، دعوی خود اندیشه‌پردازان بورروانی درباره "آزادی فرد"، در عمل، در درون ماسین عظیم و خوردکننده تولید سرمایه‌داری، به هس بدل می‌شود.

ساعرمعرف آلمانی شیلر، در زمینه وضع فرد در تولید سرمایه‌داری زمانی نوشت:

"هر قدر هم جهان در مجموع خود از این تکامل مجزای نیروهای انسانی برد کرده باشد، نمی‌توان انکار کرد که افراد انسانی از جور و ستم این مقصد جهانی، آسیب می‌بینند." (کلیات شیلر، ص ۶- صفحه ۳۰۲- حاب سال ۱۹۵۷)

درباره سرنوشت فرد و آزادی او در جهان سرمایه‌داری، که شیلر بدان اشاره کرده، بسیاری از فلاسف بزرگ دوران سوررواری، ماسد کانت و هگل نیز سخن گفته‌اند. که حای حسب از آن سخنان در این‌جا بسبت.

جامعه‌سناسی معاصر سرمایه‌داری سر این مطلب را مطرح کرده است. برخی مکاتب فلسفی سرمایه‌داری معاصر (مانند سروسوالیسم و اکریستانسالیسم) کلا خود را در عین مطلب ساخته‌اند و در این‌باره سخنان فراوان گفته‌سده است که باید در ماسج مربوطه بررسی کرد.

ویرانسازی شخصیت در جامعه سرمایه‌داری از دوره انجام می‌گیرد: از راه تولید سرمایه‌داری، که در زیر جرح عظیم ماسی خود، انسانها را فاقد شخصیت و هموار و یکواحب می‌سارد، و از راه سخن طررتکر فردنزیایسه (اندیوی دوالیسم) که خودآگاهی کاد و ریان‌مدی را در فرد بدید می‌آورد و سوسد عاطفی و نوعی او را با افسانه‌های دیگر و سها جامعه فظ می‌کند یا ناتوان می‌سازد، و او را در حود سددنی و عرلنی سدارامیر فرو می‌برد. اسان فردگرا، که تا حد سبت به سرت به مردم و جامعه کینه می‌ورزد، فاه حقد غناه معنوی یک‌اسان تمام عیار است. این تک‌مکری و محدودیت روحی عجیب بورروانی هم‌انکون در اسانه‌های بورروازده "جامعه" ما نیز فراوان بدید سسود.

مارکس و انگلس در اسرمعرف خود ایدئولوژی آلمانی می‌نویسند که، مقابله استزاعسی و معه و حود‌خواهی و عیروخواهی " چیزی است سب بی‌ظور بنظر می‌رسد، زیرا یکی از دو جهه، یعنی جهت "منفعت عام" دائماً بوسیله جهت دیگر، یعنی بوسیله منفعت خصوصی بوجود می‌آید و به هیچ وجه بعنوان نیروی مستقلی که دارای تاریخ مستقل باشد، روبروی آن قرار ندارد." (کتاب- ص ۲-۳)

سوسه حل این تضاد سها یک راه است و آسهم اجتماعی کردن فرد و تبدیل جامعه مدنی بورروانی به جامعه انسانی است. راه رهایی فرد در رهایی جمع است، ولی در سحال "جامعه نمی‌تواند خود را رها سازد، بدون آن که هر فرد انسانی را رها ساخته باشد." (انگلس- آسی دورینگ - حاب ۱۹۵۷- صفحه ۲۷۸)

و یا به بیان مارکس، جامعه انسانی آن حسان جامعه است که در آن ساد "تکامل آزادانه هر فرد، شرط تکامل همه باشد." (کتاب- حلد ۴- ص ۴۴۷)

بدینسان مناسبات فرد با جامعه مورد تعبیر بنیادی فرار می‌گردد و سوسد تاره‌ای از فرد بدید مسود که سوی تکامل همه‌سویه معنوی و مادی

کارگران کارگاه «زرباف» شیراز

تنها با پیروزی نهائی انقلاب وضع ما بهبود خواهد یافت

در انتهای بازار کفاسان، بازار عباس آباد، کارگاه زرباف قرار دارد. فرشهای کهنه و پاره در این کارگاه بر روی هم انباشته شده اند و قریب ۳۰ رگر که کارترمیم و رفوی این فرشها نغال دارند.

حقوق کارگران این کارگاه، بنا بر مهاری که دارند، تعیین می شود و بین هشتاد تا صد و چهل تومان است. با تنی چند از آنها گفتگو داشتیم.

مدیر داخلی کارگاه گفت:

"۲۷ سال است در این رشته سابقه کار دارم. چند ماه است به این کارگاه آمده ام و کارم دفتر داری است. من به شما اطمینان می دهم نه وضع کارگران بسیار خوب است. ۳۰ نفر کارگر داریم، کسه حدود ۲۵ نفر آنها بیمه هستند و هر سال معادل یکماه حقوق خود، عیدی می گیرند." یکی از کارگران در مورد کار خود و شرایط کارگاه گفت:

"کار من رفوگری است. روزی ۱۰۵ تومان حقوق می گیرم و تاکنون از بیمه و حق مسکن استفاده نکرده ام. وضع کارگاه و کار آن نیز طوری است که اکثر کارگران ناراضی هستند البته برای اینکه بتوانیم حقوق خودمان را از کارفرما بگیریم، سال گذشته نماینده ای انتخاب کردیم که کارفرما او را قبول نکرد و حالا هم نماینده ای نداریم." کارگر دیگری گفت:

"روزی هشتاد و دو تومان حقوق می گیرم و با اینکه یکسال ونیم است اینجا کار می کنم، هنوز بیمه نشده ام. حقیقت را بخواهید فقط حدود ده نفر بیمه هستند." کارگر ۲۵ ساله ای گفت:

"ده سال سابقه کار دارم و ۱۶ ماه است اینجا کار می کنم. بیمه نیستیم و حق مسکن و حق اولاد نمی گیریم. فقط کسانی حق مسکن می گیرند که بیمه باشند و اکثر

آوای کارگر

گفتند: وای! ماریج ضرر ثمری نیست زین مصاف اما سکت بکسرشان بیخه در کلاه آماده آمدیم به جنگ و سبک گذشت ماندیم و گشت سنگر آزادی پناه رفتند و سهو مانده همه بر کلاهشان!

سهل است، سهل، این همه بر اهل کار و رنج دنیارنه - مگر آن رزم آخرین از بهر ساختن آباد و استوار بی لکه ستم بی رنج و درد و غم ایران مستقل فردای گلستان جهان

فریادمی زدیم که این شاه رفتنی است. فریادمی زدند که سخت است و سهمگین! مادره آمدیم و با خرسید کار خورشید گرم سوخ برآمد بهار شد کاری سود در خور مردان کارزار!

سالی گذشت، خند پربانگ و قیل و قال آوای جفدها: نمایان بوزخند

امروز شیطان بحد دلگت تکریت آمده است دستی بهم رنم گریزاز این بهشت با خون حماسه ای دگر آریم ماندگار!

گفتیم: این نرد بود صد آمریکا

ما بیمه نیستیم سال گذشته هم فقط ۵۰۰ تومان به ما عیدی دادند. و از زبان دیگری شنیدیم:

"چندی پیش پس از یکسال کار ۱۵ روز مرخصی گرفتم. ولی وقتی به سرکار برگشتم، ۱۵ روز از حقوقم کم کردند. اگر ما را بیمه کنند، دیگر نمی توانند مرخصی بدون حقوق بدهند."

از کارگران در مورد جنگ تحمیلی عراق با ایران پرسیدیم. یکصد آمدگی خود را برای جنگ اعلام کردند و گفتند حاضرند تا پای جان از میهن انقلابی و جمهوری اسلامی ایران دفاع کنند:

"ما برای درهم شکستن هردسیسه و تهاوی که علیه ایران باشد، آماده ایم. ما انقلاب کرده ایم و باید برای حفظ آن فداکاری کنیم، تا از بین نرود. چون اگر انقلاب پیروز شود، وضع ما خوب خواهد شد. از ما کار و فداکاری، و از مسئولین تلاش برای بهتر زندگی کردن." کارگران میهن ما آمدگی مبارزه با توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران را دارند و با تمام وجود از انقلاب دفاع می کنند. آنها به انقلاب و دستاوردهای آن دل بسته اند و امیدوارند که با پیروزی نهایی انقلاب، وضع زندگی شان دگرگون شود و بهبود یابد.

اقداماتی که مسئولین می توانند انجام دهند، عبارت است از:

- جلوگیری از دخالت کارفرما در انتخاب نماینده کارگران. کارگران باید با پیادای حق قانونی را داشته باشند که بتوانند نماینده واقعی خود را برای بدست آوردن حقوقشان انتخاب کنند.
- وادار کردن کارفرما به بیمه کردن کارگران.
- پرداخت حقوق حقه کارگران حون، حق اولاد، مسکن و خواروبار.
- استفاده از مرخصی سالیانه با حقوق و مرخصی برای زمان بیماری



طبقه کارگر ایران در افزایش تولید، ترمیم خسارات جنگ و دفاع در جبهه، پیشقدم است!

کارگران می نویسند:

شرکت «مانا» نباید تعطیل شود

در گیلان رسیدگی نمی شود؟ قبل از پیروزی انقلاب مسئولین شرکت چون خانها در شرکت حاکم و حکم فرما بودند و آنچه فریاد حق طلبی از حلقوم ما و سایر کارگران بر می آمد، با تهدید و اخراج و حرف های رکیک کارفرمای ظالم روبرو می شد و کارگران را با اردنگی و فحاشی از کار اخراج و از محوطه کارگاه بیرون می کردند و هیچ کس به حق ما رسیدگی نمی کرد، چون طاغوت و طاغوتیان حکم فرما بودند.

یکسال و اندی است که انقلاب کبیره رهبری امام خمینی به ثمر رسیده خوشحال و سراپا شد دیو دیم که وقت آن رسیده مسئولین انقلاب و سایر رهبران و انقلابیون، که امروزه در صدر کار قرار گرفته اند، به فریاد ما کارگران محروم رسیدگی و جلوی اجحافات مسئولین وقت را گرفته و به حساب مسئولین گذشته رسیدگی نمایند. در این مدت بحساب و کتاب هیچ کسی رسیدگی نشده. ولی بدبختانه کسی را مسئول کارگاه نمودند که خود فرزند یکی از بزرگترین فئودالهای معروف فومنات بود. مدت کوتاهی که ایشان مسئول کارگاه بود بیشترین اجحاف را به عده ای از کارکنان شرکت نمود. امروزه شرکت «مانا» در گیلان دارای پانصد نفر پرسنل می باشد، هر آن بیم آن می رود که تعطیل گردد و تمام کارگران، در این موقع حساس که در مملکت حکم فرماست، سرگردان گردند.

ما از مقامات مسئول انتظار داریم هر چه زود تر به وضع نا بسامان شرکت ساختمانی مانا واقع در چوکای گیلان رسیدگی کنند...

مانا شرکتی است در چوکای گیلان که کارهای ساختمانی را انجام می دهد. ولی متأسفانه بعلت نابسامانیهای موجود آمده توسط مسئولین کارخانه، در حال تعطیل شدن است.

مدتی است حقوق و مزایای کارگران این شرکت طبق مقررات پرداخت نمی شود و این خود باعث اعتراض کارگران شده است. از طرف مسئولین نیز کوچکترین اقدامی در جهت رفع مشکلات صورت نمی گیرد، آن ها در جواب اعتراض کارگران می گویند:

"بودجه نداریم و پرسنل کارگاه زیاد است."

مدیر جدید کارخانه می گوید:

"این شرکت با توجه به ظرفیت کار، به حدودی کارگر احتیاج دارد و به عده ای از کارگران، که در کارگاههای ساختمانی پیش ساخته کار می کنند، دیگر احتیاجی نیست."

در ارتباط با نابسامانیهای موجود در شرکت و اعمال غیر قانونی و ضد کارگری مدیر شرکت، عده ای از کارگران آن طی نامه ای که برای نامه مردم ارسال داشته اند، از مسئولین تقاضای رسیدگی به مشکلات شرکت را کرده اند. در این نامه چنین می خوانیم:

"جریده محترم نامه مردم زبان گویای محرومان و زحمتکشان، خواهشمند است آنچه در زیر نوشته شده و در ردل و فریاد کارکنان محروم و ستم دیده شرکت ساختمانی مانا واقع در چوکای گیلان است، در آن جریده محترم چاپ کنید، تا بگوش مقامات مربوط برسد.

چرا به وضع شرکت ساختمانی مانا که وابسته به سازمان گسترش است،



(پیام انقلاب، از گمان ساه باسداران شماره ۱۹ - ۱۷ آبان ۱۳۵۹)

فرد و اجتماع ...

نقشه از صفحه ۳

می رود و کار از رخ به رخ روحی بدل میگردد و حقوق ابتدا به دستاه حاکمیت اکثریت جامعه و سپس به دستاه حاکمیت همه، جامعه و سرانجام به دستاه خودگردانی اجتماعی بدل میگردد و همه اسگال نابرابری اجتماعی از میان میرود. مادر باره، این نظام آتی انسانی، که باید همه سیریت را در زیر رحم واحد انسانی خود گرد آورد، وارد بحث دایره دار می شود. در کشورهای سوسیالیستی حرکت تکاملی به سوی همس مقاصد عالی صورت می گیرد و نتیجه بدست آمده، حتی امروز بسی برار رس است.

جامعه نو بخوبی میداند که برابری اجتماعی اساسها، برابری روحی آنها است. "جهان درونی" اساسا همیشه کوه کسین خواهد ماند. خود آگاهی فردی انسانها هرگز یکواخت نخواهد شد. ولی وقتی انسان قادر باشد آرماسهای انسانی خود را در عرصه جامعه عطلی سازد، تضاد بین "جهان درونی" و "جهان بروی"، نصاد بین فرد و جامعه از میان میرود، بدون آنکه یکی دیگری را مله کند.

حنین است طرح مسئله فرد و اجتماع تا با مراعات نهایت اجمال و سادگی در مارکسیسم. امید است حواستاران "رد" این مطلب آرا با تفصیل لازم بررسی کنند و کار راه استجاب مستی خزعلات من در آوردی نگانند. ماسفاهه یک بحث ساده شده، روزنامه ای، برای بیس از این اندازه، که آن هم باحمال گفته شده، میدان سخن نمی دهد ولی امید است که همین اندک، زرفای مطلب را در برابر کحکاوان بگسترند.

آثاری که در متن به آن اشاره رفته، حاب احاد سوری است. از کلیات مارکس و انگلس، حاب دوم منظور است.

پاسخ مسئولین به خواست دهقانان

بدنبال درج یک خبر دهقانی در نامه "مردم" شماره ۳۴۸ مورخ ۱۲/۷/۵۹، تحت عنوان "کشا و رزان بعد از یکسال دوندگی موفق به گرفتن وام نشده اند" نامه‌های شماره ۱۴۰/۴۰۱۴۰/۲۵۸-۱۰۵/۷/۲۲-۵۹ از طرف روابط عمومی بانک کشاورزی به دفتر نامه مردم ارسال گردیده است که ذیل درج می‌گردد.

در مطلب عنوان شده است که ۹۵ نفر از شلتوک کاران روستای خم‌بای کربار از توابع مرودشت یکسال پیش تقاضای وام زه‌کشی نموده‌اند. لکن هنوز بانک کشاورزی وام لازم را نپرداخته است. در پاسخ به اطلاع میرساند زمانی که تقاضای وامی مورد قبول قرار نمی‌گیرد حتماً تابع مقررات نیست. چون درخواستهای وامی که شرایط لازم را احراز نکرده‌اند در سریع وقت مورد رسیدگی قرار گرفته و وام لازم پرداخت می‌شود. بطوریکه سعبه بانک کشاورزی در شیراز طی تعداد اول سال جاری موفق گردیده است تعداد ۳۲۲ فقره وام برای مصارف مختلف کشاورزی به مبلغ ۵۸۷/۵۶۹/۵۰۰ ریال مستقیماً به کشاورزان پرداخت نماید و مبلغ ۲۰۷/۶۰۰/۵۰۰ ریال اعتبار نیز در اختیار ۱۴ شرکت تعاونی روستایی قرار گرفته تا به کشاورزان عضو بصورت وام‌های کوتاه مدت فلتی و جاری پرداخت نماید. بدین ترتیب ملاحظه می‌گردد بانک مرتباً سرگرم پرداخت وام است و چون متقاضی زیاد است به متقاضیان بر حسب حق تقدم نوبت داده می‌شود تا در نوبت تعیین شده مراجعه و وام مورد نیاز را دریافت نمایند. شلتوک کاران مزبور نیز به شعبه بانک کشاورزی در شیراز مراجعه نمایند تا چنانچه واجد شرایط باشند وام لازم در اختیارشان قرار گیرد.

نامه مردم - ضمن ابراز خوشوقتی از پاسخ دریافتی و توضیح پرداختی اعتباری وام اعتباری روستایی و تعاونی امید است مقامات مسئول با در نظر گرفتن نیازهای دهقانان و اقتصاد کشاورزی در امر پرداخت وام و اعتبار اصل مؤثر بود آن در رشد و اعتلای کشاورزی به مرد حب جمع آن به شورای ده، نظارت بر استفاده از آن را در نظر داشته باشند. در مورد مقررات پرداخت وام ما تا کنون به دفعات نظر خود را اعلام کرده ایم و امیدواریم با تجدید نظر کلی، در شرایط پرداخت وامهای کشاورزی، تدابیر اصولی در جهت کمک به جهاد کشاورزی و رشد و اعتلای تولید و تحکیم اشکال مترقی و انقلابی اقتصاد کشاورزی انجام گیرد و طبق بنی بنی قانون اساسی، بخش تعاونی از این راه تحکیم شود. نامه "مردم" از توجه مقامات مسئول به خواستهای دهقانان تشکر می‌نمایم و به دهقانان مربوط نیز یادآوری می‌کنم که در این پاسخ از آنها دعوت شده به بانک مراجعه کنند.

دهقانان و عشایر فارس: ما در عین حال که جلوه عراق ایستاده‌ایم منتظریم وضع بهداشت ما خوب شود به ما حمله کرده

جبهه تحت نام کرده است. امیدواریم که بس از جنگ برای مادر ما نگاه سازند، بر رودخانه پل زده و به ما وام بدهند. الله! زطایفه آردکین میگوید: "در محل ما بهداشت نیست، هیچی نیست، و مردم همه بی بضاعت هستند، نه جاده و نه وسیله نقلیه داریم. خود ما مریض را با موتور سیکلت می‌آوریم. دوا بی نسخه بسیار گران شده است. فعلاً عراق که سوگر آمریکا است به ما حمله کرده است. ما هم در عوض حمله او، نان خشک به حسب فرستاده ایم و اعلام همبستگی کرده ایم دولت باید در حد امکان به وضع ما مستضعفین برسد در محل ما تا مریضها نخواهند بمیرند آنها را به شهر نمی‌آورند. گاهی مریض را بعد از روزها به شهر می‌آورند که دیگر دیر شده است. در محل ما آب شیرین نیست، زنها مجبورند با حیوانات آب بدهد بیاورند، جاده هم زمستانها بنده می‌آید و باید مریض را روی بست خود از جاده خراب عبور دهند." و در آخر میگوید: "ما در عین حال که جلوه عراق ایستاده‌ایم، منتظریم وضع بهداشت ما خوب شود و هیئت ۷ نفری به محل بیاید، اگر طوری زمین تقسیم شود که ما سال زمین برای کشت داشته باشیم خوب است."



می‌خواهد که در تقویت جبهه میهنی جنگ شریک باشد. او سرباز تمام صحنه‌های نبرد است. در جبهه و پشت جبهه... اینک سلاح او کشت و تولید بیشتر است. نهادهای دولتی و انقلابی با کمک به وی باید، لاجرم را تیز و پرا سازند. او دهقانی زحمتکش و مجروح، از روستای قزل‌قایه در ۲۴ کیلومتری شرق مشهد است.

رویارویی بزرگ مالکان با دهقانان و هیئت ۷ نفری

بزرگ مالکین انگل صفت استان اصفهان پس از اطلاع از اجرائ شدن ماده (ج) قانون اصلاحات ارضی در محل هیئت واگذاری زمین استان اصفهان گرد آمده، در آنجا به اخلاص برداشتند و در بیان سعی در وجود آوردن درگیری با مسئولین هیئت واگذاری زمین را داشتند. بزرگ مالکینی که در این روز در آن محل جمع شده بودند، مدعی بودند که بر روی زمین مشغول "کشت" هستند، حال آنکه بگفته یکی از زارعین "دست اینان از شیشه صافتر و زنبه نرم‌تر و سفیدتر بود." بزرگ مالکان گستاخی را بدانجا رسانند که در جلوی مجریان قانون هم خود مجریان را وهم قانون را به باد فحاشی و تمسخر گرفته و کار را به آنجا رسانند که با یکی از اعضای گروه‌های تحقیق هیئت درگیر شدند. در ضمن بهمان نسبت که این فتوایها گستاخ شده و بی پروا به قانون و قانون گذار و مجریان قانون ناسزا می‌گفتند، دهقانان نیز زمین و کم زمین نیز از برخی روستاهای تابعه اصفهان به محل هیئت آمده و برای اعلام پشتیبانی خود از قانون‌نویس تحصن و تظاهرات داشتند. اگرچه از طرفی در جبهه برخی از مجریان صديق قانون اطلاعات ارضی علامت سؤال دیده می‌شد، ولی در گوشه‌ای دیگری از اعضای گروه تحقیق، در مقابل بزرگ مالکان گفته: "تا زمانی که یک شرح طلب، یک مسلمان و یک آزاده در این کشور زنده اند، اجازه حاکمیت دوباره به شما نخواهند داد" و در پی این سخن، یکی از دهقانان ادامه داد: "کردنی که با خون مردم بیچاره ما کلفت کرده‌اید باید با بدلاغ شود و ما این کار را می‌کنیم."

تاخیر موقتی اجرای بند "ج" و باقیمانده زمینها در دست بزرگ مالکان نتیجه شرایط استثنائی و فشاری بود که اربابان به کمک لیبرالها و همه صدامقلابیون و جمعی روحانی نمای فد خط امام بعمل آوردند و باعث تاخیر همه انقلابیون شد. ولی بی شک این مسئله مهم لاینحل نخواهد ماند و آزادی و حقوق بزرگ مالکی بر دل اربابان و فتوایها خواهد ماند. دهقانان حق مسلم خود را میطلبند و انقلاب مستضعفین - بگفته امام - این مسئله را احتمال خواهد کرد. بسیاری دهقانان نشانه‌ای است از بیداری و آگاهی زحمتکشان روستاها. آنها تسلیم اربابان و لیبرالها نخواهند شد. علامت سؤال با یاد زچهره انقلابیون صديق مجری قانون زدوده شود و قاعده آنها حمایت گردد. این "دستا زنبه نرتر و سفیدتر بزرگ مالکان می‌خواهند بر کردن انقلاب شمشیر از فولاد برنده تر بگذارند. این گردنهای کلفت شده از خون مردم می‌خواهند بساط طاغوت و امپریالیسم را بازگردانند. ولی به درستی، آن عضو هیئت به ارباب گفت که "ما دیگر اجازه مالکیت دوباره به شما نخواهیم داد." این خدمت بزرگی به انقلاب و تحکیم جمهوری اسلامی ایران است.

بخش عدالت ارضی  
بسیار مهم است  
دهقانان زحمتکش  
تسکین می‌دهند  
دهقانان شور را  
به بسیج می‌دهند  
هر آنچه که  
و دستاوردهای آنرا  
به ما می‌دهند

در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا مسوم است که هرنامدی راه رنگی مشخص می‌کند. ملا کندی را با رنگ آبی، ویا کارتر را با رنگ سبز مشخص می‌کردند. سلاکاردهای ریگان را به ۳ رنگ قرمز، سبز و آبی، یعنی ۳ رنگی که در پرچم آمریکا وجود دارد، رنگ آمیزی کرده بودند. سزارانخانی اوهم این بود: "بگذار آمریکا بازیه عظمت برسانیم!"

ریگان دوبار، دفعه اول در سال ۱۹۶۸ و دوم در سال ۱۹۷۶، برای نامزدی از حزب جمهوریخواه در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا کوس کرده بود. دفعه اول او از نیکسون شکست خورد، بریا هموز خاطره سبک گلدواتر در اذهان تازه بود. مرتبه دوم ریگان از جرالد فورد شکست خورد، بریا فعالیت قلی فورد در کاخ سفید به او کمک زیادی کرد. دفعات سبب فعالیت‌های اسحاقی ریگان خیلی دیرسرو می‌شد. اما این بار او ۵ سال سبب فعالیت‌های اسحاقی ریگان کرد، یعنی در سبب از مراجع ار کنگره حزب جمهوریخواهان در کار سبب. ار همان زمان او در درون حزب در واقع سازمان ویرهای برای خود درست کرد. در خارج از دستگاه حزبی سر او به سروهای محافظه‌کاری که خود را "راست‌های بو" می‌نامند، نگه کرد.

چگونه...

بقیه از صفحه ۶  
حدید بکند.  
\* به نولد و گسترش موشکهای ضد بالستیک (صد راکت) به درازد.  
\* برنامه تولید بمبافکهای اسرارتیکی  
\* را (که متوقف شده بود) تجدید کند.  
\* سیستم مدافند ملی و ضد هوایی را تقویت کند.

در عین حال ریگان نظر خود را درباره اتحاد لوک نظامی تازه‌ای از اسرائیل، مصر، عربستان سعودی و آمریکا، نظیر سیمان محله سبو، صریحا اعلام داشته است. او طرفداری خود را از "کمک نظامی" به نیروهای صدام انقلابی در حفظ مختلف جهان، از جمله در افغانستان، در آنکولا، علیه سیکاراگوا، علیه کوبا و غیره اظهار داشته است. او صریحا به مخالف نام مع مروس اسلحه به ریم هاسسی افریقای حوسی رخاسه و وعده داده است که به نوبت سروهای مسلح آن کمک کند. به همس منظور مساورین ریگان پس از ده درصد افراس بودجه نظامی سالانه را طرح ریزی کرده‌اند.

# چگونه میلیاردرهای امریکائی ریگان را به ریاست جمهوری رساندند



نماینده میلیاردرهای امریکا در کاخ سفید

داشت تا برای همه مضللت جهان راه حل ساده ای پیدا کند. به همین منظور نیز سبب همه نابسامانی‌ها را در وجود اتحاد شوروی خلاصه می‌کرد و می‌گفت: "بگذار خودمان را گول نزنیم. در پس همه آشوب‌ها اتحاد شوروی قرار دارد!" این اظهارات او حتی مفسرین آمریکائی را نیز تکران می‌کند، زیرا آنها معتقدند که قضاوت‌های نادرست می‌تواند اعمال فاجعه‌آفرینی را هم درسی



اجراکننده برنامه جنرال الکتریک تئاتر

داشته باشد. هنگامی که روزنامه‌نگاران از او پرسیدند: «آیا می‌خواهد کشور را به دوران "جنگ سرد" برگرداند، در جواب باعجب سؤال کرد: "مگر جنگ سرد هیچوقت به پایان رسیده بود؟"

نزدیای ارتقا به مقامات سیاسی را "ژنرال الکتریک" و میلیاردرهای کالیفرنیا ربرای هنریسه سابق گذاشت. اما امروز او به بزرگترین سرمایه‌داران میلیاردر آمریکائی سکی است. او ۵۰ مدیر



همکار باری گلدواتر

برگرس مجمع‌های نظامی-صنعتی آمریکا، که در جریان انتخابات ریاست جمهوری مورد پرس روزنامه "وال استریٹ جورنال" واقع شده بود، فقط ۷ نفر به سودگاران اظهار عقیده کرده بود. بدین ترتیب، سبب "پیروزی" ریگان در انتخابات دمکراتیک و آزاد آمریکا! به خوبی آشکار می‌شود. طبق حساب اقتصاددانان آمریکا، پیشنهادهای ریگان تنها درباره تغییر میراث مالیات برای خزانه دولتی ۲۰۰ میلیارد دلار تمام خواهد شد. و بازم طبق حساب اقتصاددانان آمریکا، برای اجرای نقشه نظامی کردن اقتصاد که ریگان رس عنوان "طرح از طریق زور" خواهد سیاده کرد، متجاوز از ۲۰۰ میلیارد دلار به صندوق جمع‌های نظامی - صنعتی ریخته خواهد شد. به همین منظور است که ریگان می‌خواهد در واقع دوره تازه‌ای از مسابقه تسلیحاتی را طرح ریزی کند. یعنی:

- \* تهیه راکت‌های دوربرواز (بین ماه‌های) ام. ایکس و تولید موشک‌های بالدار را تسریع کند.
- \* تولید راکت‌های "می-تی-۳" (بجای آنها موشک‌های ام. ایکس در نظر گرفته شده بود) را

بقیه در صفحه ۵

مکانکارتیسیم در آمریکا بود. او حتی با خود هفت تیر حمل می‌کرد، تا مبادا "کمونیست‌ها" با نقشه‌های سری خود "هولیوود را اشغال کنند. او در جلسات "کمسیون پیگرد فعالیت ضدآمریکائی" علیه باصلاح متهمین شهادت می‌داد و در تنظیم "لیست‌های سیاه" اسامی مردم بی‌گناه شرکت می‌کرد. اما بالاخره فعالیت هنرپیشگی او به سر رسید: نقشی برای او پیدا نمی‌شد! لذا از هولیوود دست کشید و مدتی با کارهای تصادفی در تلویزیون و سینما امرامش می‌کرد. همین زمان بود که مجتمع "ژنرال الکتریک" از او دعوت کرد تا در برنامه "نیم ساعته اعلانات بازرگانی روزانه به نام ژنرال الکتریک تئاتر" شرکت کند. ضمناً مدیر "ژنرال الکتریک" به او توصیه کرد که برای جلب مردم "شما باید یک فلسفه‌ای برای خودتان پیدا کنید. یک چیز-هایی که هم شما بتوانید از آن دفاع کنید، هم مردم خوششان بیاید و مملکت هم بتواند از آن حمایت کند." ریگان، که مطلب را دریافته بود، رفته رفته جریبات هولیوودی خود را با رنگ و روغن سیاسی بزرگ می‌کرد. بدین ترتیب، پس از ۸ سال که برنامه "ژنرال الکتریک تئاتر" دیگر نقش خود را در معرفی کمیانی ایفا کرده بود و قرارداد خدمت ریگان لغو شد، او همه فلسفه و شهرتی که بدست آورده بود، در خدمت حزب جمهوریخواهان قرار داد.

در سخنرانی‌های ریگان موضوع "خطر کمونیسم" دائماً تکرار می‌شد. او در انتخابات گنگره آمریکا به پشتیبانی از یکی از رهبران "جمعیت حوس-برج" پرداخت، کمک هزینه "بیگاران را" مرخصی با حقوق برای تنبلی‌ها" نامید، "مالیات بردار متصاعدی" را مولود فلسفه "کارل مارکس خواند و شدیداً محکوم کرد (در این موقع درآمد خود او به ۱۰۰ هزار دلار در سال رسیده بود). همین عقاید و سابقه هنرپیشگی و نرویح آنها بین مردم بود که توجه گروه میلیونریهای کالیفرنیا را جلب کرد.

پس از پیروزی در انتخابات ایالت کالیفرنیا، "سالواتوری، تاتل و سرکا" نوعی "گابینه سایه‌وار" در جنب استانداری تشکیل دادند و ۳۵ مقام عالی اداری استان را با درستان و آشنایان خود از مدیران شرکت‌های خصوصی بر کردند.

جندی قبل تاتل اعلام کرد که ریگان از او و دیگر دوستانش تقاضا کرده است که در صورت پیروزی در انتخابات رئیس جمهوری آمریکا، در کار تعیین نامزد-هایی برای احراز مقامات دولتی به او کمک کنند.

هم اکنون، در مرحله انتقال قدرت دولتی از کارتر به ریگان، این "مشتی میلیونری‌راست‌گرا" مقامات عالی-رتبه دولت آمریکا را برای رئیس جمهور منتخب تعیین می‌کنند. بی‌شک نیست که نخست‌وزیر انگلیس، خانم مارگریت تاچر "گروهی راکه آقای ریگان دور خود جمع کرده است نوید خوبی برای آتی: امبرالیسم" نامید. در انتخابات ایالتی کالیفرنیا، ریگان می‌گفت: "سالیان دراز من و شمارا مثل اطفال خردسال دست می‌انداختند، که گویا پاسخ‌های ساده (برای مسائل اجتماعی) وجود ندارد... حقیقت این است که پاسخ‌های ساده وجود دارد، اما آنها را آسان نمی-توان نامید."

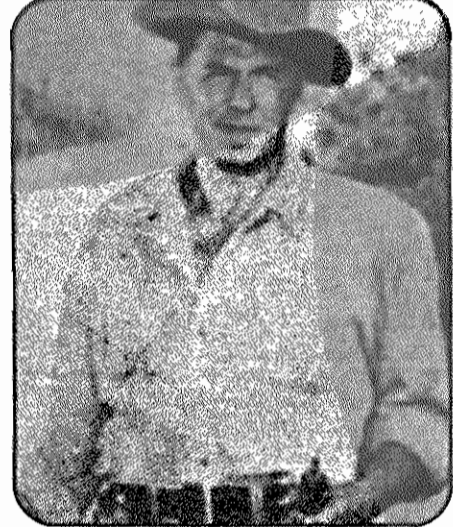
این عبارت به کرات در سخنرانی‌های او در انتخابات ریاست جمهوری تکرار می‌شد. او وعده می‌دهد که فوراً راه حل همه مضللتی که آمریکا را احاطه کرده است، پیدا کند. او خیلی اکتفا می‌کرد به اینکه در دو دوره "اشغال بست استانداری کالیفرنیا، ۵/۷ میلیون دلار به مالیات دهندگان برگردانده بود. اما او بهیچوجه بیاد نمی‌آورد که در همین دو دوره میزان مالیات‌ها رویهمرفته بیش از ۲ برابر شده بود. هنگام انتخابات وعده می‌داد که کمک هزینه دولتی موسسات آموزشی راقط خواهد کرد، اما همین‌که استاندار شد، بهانه‌ای برای پرداخت پیدا کرد... مفسر مجله "وال استریٹ ژورنال"، آلبرت هانست می‌نویسد:

"خیلی‌ها، پس از مطالعه دو دوره استانداری ریگان در کالیفرنیا، معتقدند که او در جریان انتخابات محافظه‌کار تر است، تا هنگام اداره امور. البته کمی مدعی نیست که او یک "لیبرال کابینه‌نشین" و یا حتی یک "اعتدالی" است، اما خیلی از اطرافیان او را "هوادر تزلزل‌ناپذیر خط مشی خشن" و "نماینده آشتی‌ناپذیر جناح راست" حساب نمی‌کنند. به عقیده جمعی او نیز، رئیس سابق مجلس نمایندگان گنگره آمریکا، ریگان در بست استانداری ایالت کالیفرنیا آن قدر که هوادارانش انتظار داشتند، خوب نبود. اما از آنچه که مخالفینش گمان می‌کردند، بهتر از آب در آمد. استاندار سابق از حزب دمکرات پت براتون می‌گوید: "او هیچ چیزی ایجاد نکرد". هواداران ریگان جواب می‌دهند: "اما هیچ چیزی را هم خراب نکرد!" در نطق‌های انتخاباتی اخیر نیز ریگان سعی زیادی

جمهور منتخب آمریکا است!

ریگان دوست دارد خودش را "جمهوریخواهی از "مین ستریت" بنامد. برای آمریکائی‌ها درسی این یک کلمه شیوه‌گامی از زندگی نهفته است. "مین ستریت" (بزرگراه) در هر یک از شهرهای کوچک آمریکا وجود دارد و معمولاً از این سر تا آن سر شهر ادامه می‌یابد. موسسات شهری، کلیساها، مغازه‌ها، مهمانخانه‌ها و غیره در این خیابان قرار دارند. تلاش‌ها و کوشش‌های روزانه شهروندان با این خیابان در ارتباط است. سینگر لوئیس، نویسنده آمریکائی، در رمان طنز آمیزی که به همین نام نوشته، "مین ستریت را" قلعه تمدن آمریکا ایالتی "نامیده است. در اینجا است که خرافات را تا درجه آداب و رسوم و سنن ملی بسالا می‌برند. "وطن پرستانی" که شیفته "تکان دادن پرچم آمریکا" هستند، اینجا است که هم خود را مصروف حفظ دنیای حقیر، محدود و کهنه خود می‌کنند. در اینجا به چیز-های تازه، اشخاص جدید و عقاید نو با سو-نشدیدی برخورد می‌کنند.

ریگان در چنین محیط شهرهای کوچک بخش وسطای باختر آمریکا دنیا آمده است. یکی از نخستین زندگی نامه نویسان هیچ‌سکی در تاثیر این محیط در جهان بینی او ندارد. او می‌نویسد:



هنرپیشه سینما

"اگر لوئیس در زمان خود مقررات اجتماعی بخش وسطای باختر آمریکا را استهزا می‌کند، ریگان بعکس، این قواعد را سخت می‌ستاید. ارزش‌هایی راکه لوئیس در زمان خود انتقاد می‌کند، ریگان با شوق فراوان می‌پذیرد. سوداگری مورد احترام عمیق ریگان است. او سخت محافظه‌کار است و بهر تحولی با سو-ظن می‌نگرد. روشنفکر نیست و به تصمیمات عالی اعتمادی ندارد. در مدرسه ابتدایی و کالج فقط حافظه به او کمک می‌کرد، تا کمترین وقت را به درس و بیشتر اوقات را به موشکال اختصاص دهد. استاد اقتصاد در کالج گله می‌کرد که:

"من میدانم رونالد کتاب‌ها را بازمی‌کند، اما در امتحانات موفق می‌شود." خود ریگان می‌گوید: "من دیگر آن چیزهایی که خوش می‌آید، نمی‌خوانم. کتاب‌ها را، تانسی (همسرا) می‌خواند و برابم تعریف می‌کند."

یکی از همکارانش می‌گوید: "در کتابخانه ریگان کتاب‌هایی که فقط برای تزئین جیده شده، بر از گرد و خاک است. مجله‌ای که او نگاه می‌کند "هیومن ایونتنس" است، که آمریکائی‌ها آن را "انجیل جناح راست جمهوریخواهان" می‌نامند. در هر حال، پس از اتمام کالج، ریگان بی‌شک خبرنگار رادیو-سو در مسابقات فوتبال را برای خود انتخاب کرد. پس از چند سال در زادگاه خود، شهر ایلمپس،



شاهد در "کمسیون پیگرد فعالیت ضد امریکائی"

شهرت پیدا کرد. در سال ۱۹۳۷ یک همکمی از آشنایانش در یک فیلمبرداری آزمایشی شرکت سینمایی "وارنر برادرز" شرکت کرد. البته، پذیرش به کار در شرکت فیلمبرداری، سروری با فو، انتظار در برداشت، زیرا، اگر مین ستریت "قلعه تمدن آمریکائی" است، هولیوود نیز "مرکز فرهنگ توده‌ای" آمریکائی‌ها می‌شود. ریگان در بیش از ۵۰ فیلم به ایفای نقش‌های مختلفی پرداخت، اما شهرت چندانی بدست نیاورد. به ارزیابی منقدین، او "هنرپیشه‌ای بود صلاحیت دار، اما با کفایت محدود". از این رو نیز در هولیوود بیشتر از لحاظ فعالیت اداری شهرت یافت و ۶ مرتبه به وزارت انجمن صنفی هنرپیشگان سینما انتخاب شد. پرشورترین دوره فعالیت سینمایی او مسافد با دوره

مجله عصر جدید، چاپ اتحاد شوروی، در شماره ۲۸ خود، مورخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۸۰ طی یک بررسی جالب نشان داده است که چگونگی میلیاردرهای امریکائی، ریگان را از مفسر ورزشی و هنرپیشگی سینما و تبلیغ آگهی‌های تجارتهی به ریاست جمهوری ایالات متحده امریکا رساندند. خلاصه‌ای از این مقاله در زیر به اطلاع خوانندگان گرامی می‌رسد

در کالیفرنیا گروهی سرمایه‌دار زندگی می‌کنند، که نه تنها منافع اقتصادی، بلکه عقاید سیاسی نیز آنها را بهم پیوند داده است: هولمس تاتل (دلال عمده فروشی اتومبیل با ثروت چندین میلیون) هانری سالواتوری (صاحب صنایع نفت از لوس آنجلس) ژوستین دارت (رئیس شرکت "صنایع دارت") ویلیام ویلسون (که به امور ساختمانی می‌پردازد).

روزی تاتل گله می‌کرد که: "معمولاً ما را "مشتی‌راست‌گرا" می‌نامند. من از این کلمه سخت متفرم. ما اصلاً راست‌گرا نیستیم!" وی برای اثبات این ادعایش می‌گفت: "آخر نه من و نه دوستانم، با نظرات فاسدستی اعضای "جمعیت چون برچ" موافق نیستیم!" عقاید سیاسی این گروه را می‌توان در یک جمله از اظهارات تاتل خلاصه کرد: "هراس از این که مبادا آمریکا به سوی سوسیالیسم برود."

همین هراس بود که در سال ۱۹۶۴ این "مشتی راست‌گرا" را گرد باری گلدواتر (سناتور ایالت آریزونا، که به لیدری "عقابها" و "هارها" جناح راست جمهوریخواهان شهرت دارد) متحد ساخت. با وجود کرس و سیامی گلدواتر در آن زمان در گنگره جمهوریخواهان در تدریج نطقی ایراد کرد. اما شکست سخت او در ماروز-انتخاباتی سبب انشعاب عمیقی در حزب شد و ظاهراً نظر منفی انتخاب کنندگان را نسبت به او و هوادارانش نشان داد. به همین سبب نیز باید گفت که تلاش تاتل برای نجات از لقب "راست‌گرا" کاملاً قابل مهم است، اما این بهیچوجه بدان معنا نیست که او دوستانش در راست‌گرایی خود واقعا تغییر داده باشند.

در ستانه همان انتخابات بود که سالواتوری و تاتل از هنرپیشه سابق رونالد ریگان دعوت کردند، تا در ناهاری که برای جمع آوری هزینه انتخابات گلدواتر ترتیب داده بودند، صحبت کند. ریگان وظیفه خود را به نحو احسن انجام داد و خطابه پر حرارتی ایراد کرد. بعد در گنگره جمهوریخواهان سخنرانی کرد و استقبال سرشور هواداران گلدواتر روبرو شد. لذا به



مفسر ورزشی

سفر تبلیغاتی برای این نامزد جمهوریخواهان مرستاده شد...

همین پیشینه بود که سبب شد سال بعد، هنگام انتخابات استاندار کالیفرنیا، که تاتل به دیدار دوستش سالواتور و رئیس شرکت نفت "یونیون اویل" روبل، رفته بود، پیشنهاد کرد: "دوستان، گمان می‌کنم ما نامزد استانداری داریم. نظرتان درباره "رونا چیست؟" مذاکرات چندانی به درازا نکشید و تاتل عازم منزل ریگان شد:

"من به دوستان گفتم که اگر تو نامزدی خود را اعلام کنی، ماهزینه انتخابات را تا من خواهم کرد" ستاد انتخاباتی مستقیماً در بنای شرکت نفت (یونیون اویل)، در بخش تجارتهی شهر لوس آنجلس تشکیل شد. هر چه سیل دلارهای موعود بالا میگرفت، دستگاه هم وسیع تر می‌شد. دوستان میلیونری در پیروزی شک نداشتند. اما خیلی‌ها با تردید به این امر نگاه می‌کردند: هنریسه "دروزی در بست استانداری، آهم در برجیت‌ترین و صنعتی‌ترین ایالت آمریکا! هوادار ارگامی‌ها می‌سود؟ چه پایگاه اجتماعی-سیاسی دارد؟ تجربه اداری از کجا می‌آورد؟...

ولی سلسله مفاالاتی که بیسرور روزنامه نگار مسهور واشنگتن درباره تقلبات ناحس در بهای لینیات علیه رقیب ریگان در انتخابات (سهردار سان-فرانسسکو) در بحبوحه انتخابات نوشت، به ریگان کمک کرد (گرچه مقصد بیروسو رسوا کردن شهرداره خاطر نامزد دمکرات‌ها بود نه ریگان). در هر حال، صیانت ناهار به مناسبت پیروزی ریگان در انتخابات ایالتی تشکیل شد. در این مجلس صیانت، سالواتوری، صاحب صنایع نفت از لوس آنجلس، حام خود را به سلامت "رئیس جمهور آتی ایالات متحده آمریکا" بلند کرد. امروز ریگان رئیس

# پیام سازمان جوانان توده ایران به: اتحادیه جوانان انقلابی خلق لائوس به مناسبت نجمین سالگرد انقلاب لائوس!

رفقای عزیز! پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب لائوس را از سوی جوانان انقلابی ایران و همه اعضاء و هواداران سازمان جوانان حزب توده ایران به شما، مردم و جوانان قهرمان لائوس تبریک می گوئیم. انقلاب لائوس، در روند تحولات انقلابی که در دوران اخیر در نقاط مختلف جهان انجام گرفته، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. حزب انقلابی خلق لائوس با تکیه بر تجربیات مبارزاتی خویش توانست رهبری انقلاب پیروزنده کشور را به دست گیرد و به دوران ساختمان سوسیالیسم رهمنون کند. حزب انقلابی خلق لائوس، به عنوان یکی از وارثین حزب کمونیست هندوچین، تجارب ارزنده کمونیستها و دمکراتهای انقلابی هندوچین را چراغ راه خود قرار داد و از همین رو به موفقیت های عظیمی در مبارزه با امپریالیسم، پسگردگی امپریالیسم آمریکا، و بنای جامعه نوین نائل آمده است. پیروزی انقلاب لائوس به همراه پیروزی انقلاب در ویتنام و کامبوج به سلطه امپریالیسم آمریکا در منطقه هندوچین پایان بخشید و تناسب نیروها را در منطقه و جهان به سود نیروهای هوادار دموکراسی، صلح و سوسیالیسم تغییر داد. این پیروزی راه رشد مستقل مرفی این کشورها را فراهم آورد و مواضع نیروهای ارتجاعی را تضعیف کرد. امروز مردم ما به خوبی آگاهند که امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و برتری طلبان یکن، بسا توطئه و توسل به اقدامات ماجراجویانه از قبیل مسلح کردن باند های ضد انقلابی در کشور و با شانتاژ نظامی می کوشند روند انقلابی را در لائوس دچار وقفه سازند. اما رهبری خردمندانه انقلابی خلق لائوس، هوشیاری و یکپارچگی جوانان و دانشجویان و همه مردم لائوس، توطئه ها و ماجراجویی های دشمنان پیشرفت اجتماعی را با شکست روپرو کرده است. جوانان لائوس، که در دوران مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم سلطنتی با دلوری و از خود گذشتگی در صف مقدم مبارزه جای داشتند، اینک نیز در دوران ساختمان جامعه نوین، وظیفه دشوار و افتخار آفرین بازسازی و نوسازی اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی کشور خود را به انجام می رسانند.

چنانکه می دانید پیش از دوام از تجاوز نظامی رژیم ضد خلقی عراق به مین انقلابی ما می گذرد. این تجاوز نظامی، که به پیمان پوج دعای ارضی عراق علیه ایران صورت گرفته، در واقع بخشی از توطئه های امپریالیسم جهانی، پسگردگی امپریالیسم چنانیکسار آمریکا، برای براندازی جمهوری اسلامی ایران است. انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی، دموکراتیک و خلقی ایران به سلطه پلانمازع امپریالیسم آمریکا بر ایران پایان بخشید. از همین رو امپریالیسم آمریکا می کوشد از راه محاصره اقتصادی، شانتاژ نظامی، توطئه کودتا و بالاخره جنگ افروزی، انقلاب ایران را به شکست بکشاند. اما خلق ما ماسم است تا بر انداختن آخرین بقایای نفوذ امپریالیسم در کشور به مبارزه عادلانه خود ادامه دهد. در بیکار افتخار آفرین با امپریالیسم آمریکا و مزدوران رژیم سدام، جوانان و دانشجویان انقلابی و مین دوست، در از جمله اعضاء و هواداران سازمان ما، شرکت فعال دارند. مبارزه دلاورانه خلق های هندوچین با امپریالیسم آمریکا الهام بخش رزمندگان، جوانان و دانشجویان همه مردم انقلابی ایران است. فرخنده باد پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب لائوس! زنده باد همبستگی بین المللی جوانان و دانشجویان در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع!

سازمان جوانان توده ایران  
۱۳۵۹ ر ۱۰

# قطعه نامه مردم اصفهان در حمایت از روحانیت مبارز به رهبری امام خمینی

هزاران نفر از مردم اصفهان، روز جمعه گذشته، در یک راه پیمایی عظیم شرکت کردند و در حالی که تصاویر امام خمینی، آیت الله منتظری و مسجد خنمی رچانی را در دست داشتند، در میدان امام گرد آمدند. در این مراسم حجت الاسلام خلیلی، نسی طسی سخنان مینوسلی، ضمن بر شمردن توطئه های امپریکابری جدائی روحانیت از مردم، به سخنان بعضی از بازخوردهای هفته اخیر اشاره کرد و از مردم خواست که ضمن بیداری و هوشیاری در برابر توطئه های دشمن، هاندن دوران انقلاب، وحدت و یکپارچگی خود را حفظ کنند. در پایان سخنان حجت الاسلام خلیلی، در حالی که میدان امام مملو از جمعیت بود، قلعه نامه ای در ۱۰ ماده بشرح زیر به تصویب رسید:

۱- مردم اصفهان که در دوران انقلاب، نخستین حکومت نظامی را در شهر خود بوجود آوردند و پس از انقلاب نیز بیشترین آمار قربانی را برای حفظ انقلاب داشته اند، بی تردید و ناگسستی خود را با نایب امام زمان (ع) رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی و ولایت فقیه اعلام میدارند.

۲- ما از روحانیت مبارز و متعهد، که همواره در طول تاریخ پرافتخار اسلام، پاسدار مکتب و قرآن و استنادهای جریانی انحرافی آمریکایی به ساخت مقدس شان هستند، است. حمایت بی دریغ خود را از ایشان میداریم.

۳- مردم اصفهان با تقدیر و تقدیس فراوان از کمک های بی دریغ و بیست برادران و خواهران مسلمان به جبهه جنگ حمایت یکپارچه خود را از فداکاریها و جانبازیهای رزمندگان خط مقدم جبهه: نیروی هوایی، نیروی زمینی، هوایر و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سازمان بسیج مستضعفین، ژاندارمری، شهربانی و داوطلبان قهرمان اعلام میدارند.

۴- ما با تاکید بر وحدت و یکپارچگی ملت، تنفردید خود را از هرگونه تفرد فکری و اندازی سردمداران خط نفاق ابراز کرده و جریانات اخیر مشهد و تهران و

ما مردم اصفهان که در اینک یکی از نمایندگان این شهر بنام احمد سلامیان به تصویب روحانیت مبارز و مورد تایید امام و تصویب مجلس شورای اسلامی اقدام و قلب پر سوز امام است را به درد آورده، تاسف عمیق خود را ابراز و از مجلس شورای اسلامی قاطعانه می خواهیم این نماینده را از جمع خود اخراج کرده و بدانند از این پس نماینده ما نخواهد بود.

۷- ما از رئیس جمهوری کشورمان همانگونه که در مصاحبه مطبوعاتی خود اینگونه افراد را محکوم کردند، انتظار داریم به اینان فرصت ندهند که حیثیت ریاست جمهوری را به اغراض شوم خود آلوده سازند، بلکه از خود طرد نمایند.

۸- ما از سایر نمایندگان محترم اصفهان می خواهیم و به آنان ماموریت میدهم که مجلس شورای اسلامی را از خواسته ما آگاه ساخته و انجام آن را از طریق قانونی تعقیب نمایند.

۹- ما مردم اصفهان باریکری بیمان مقدم خود را با ولایت فقیه روحانیت متعهد و در رأس آنها امام بزرگوار ملت تجدید و تاکید کرده و هر کسی و هر مقامی را که بر ضد این خط پر خیزه، محکوم و مردود می سازیم.

۱۰- مردم اصفهان از صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران می خواهند که مراسم این راه پیمایان پرشکو و خواسته ها و اهداف آنان را بدون سانسور در ژاندارمری، شهربانی و داوطلبان قهرمان اعلام میدارند.

توضیح: قلعه نامه فوق را ما عینا از روزنامه های «جمهوری اسلامی» و «کیهان» نقل کرده ایم. اما بنظر میرسد که در ماده دوم آن جمله ای از قلم افتاده باشد.

# امام خمینی: رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در دیدار دیروز خود با گروهی از پاسداران انقلاب اسلامی، باند همیشه بر وحدت تکیه کردند و از جمله گفتند:

«با هم اختلاف نکنید، دشمن می خواهد که بین این گروه های مجیز برای چند اختلاف یابد. ارتش را از سپاه پاسداران جدا کند، سپاه پاسداران را از آنها جدا کند...»

این تکلیفی است برای همه جوانان ایران و برای همه ملت که در یک چنین وقت حساس اختلاف نکنند و اختلاف ایجاد نکنند. خدای نخواست با اختلاف تمام این کشور از دست بیرون نماند. جوانان ما باید به آن حال که در سابق بودند، خدای نخواست مبتلا می شوند. کوشش کنید در اینکه با هم همه برادر باشید. امروز هم ارتش ایران و هم ژاندارمری ایران و هم سایر قوای مسلحه و هم شما برادران همه تان در زیر بیرق اسلام هستید و برادر باید باشید...»

کسانی که اهل قلم هستند، اهل بیان هستند کوشش کنند که مردم را دعوت به وحدت بکنند، مردم را دعوت به جهاد بکنند. اگر خدای نخواست از قلمی، از زبانی چیزی بیرون یاید که موجب تشتت بشود، جرمی است نیشخندی پیش خدای تبارک و تعالی. همه اهل این کشور هستید و می خواهید کشورتان را حفظ کنید، اختلاف نپاشید. بی گفوش به اشخاصی که ایجاد اختلاف می کنند لایید و همه همصدا با هم توجیه کنید به خدای تبارک و تعالی. قدرتهای بزرگ که مایوس شده اند از اینکه با جنگ و با حمله نظامی بتوانند کاری بکنند، دست به شیفت زده اند و می خواهند شما را از جهاد جدا کنند و اختلاف بین شما یابند. بیدار باشید، ملت ما بیدار باشد، توجیه داشته باشد که هرگونه ای که بخواهد ایجاد اختلاف بکند، هر گونه ای که بخواهد روحانیون را تصویف بکند، نظر به روحانیون تنها نیست. آنها را تصویف میکند، دنبال شما هستید. آنها می خواهند که هر چه از این مملکت بکنند و همه چیز این مملکت را بگردانند و کسی نباشد که تعرضی بکند یک مقابله ای بکنند...»

روشنفکرهایی که عامل ابر- قدرتهای لیستند، لکن اعتدالی میکنند، صحبت های میکنند که در نتیجه، های متفاوت به ابر قدرت رومی، در صف کشورهای «مرفی» قرار می گیرند و کشورهای دیگر که همان فعالیتات و وابستگی را بدرجات مختلف با ابر قدرت آمریکا دارند، تبدیل به کشورهای «ارتجاعی» میگردانند!

(زنجیر، ۱۱ آذرماه ۵۹)

ماتوئیستهای بیکار نیز خشم خود را از این تحول مثبت و نجات بخش در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بسا دشمنان کثوری به سوریه انقلابی بیان میدارند.

لیبرالهای بیروخدا برژنیسکی نیز از این تحول تکران و مضربند، آنها مدت ها کوشیدند تا با توسل به دوغهای امپریالیستی، تخم کین و بدبینی میان ایران و درستان و متحدانش در «جبهه» پایدار، بپراکنند و تمام کوشش خود را بکار بدهند، تا دست یاری و دوستی این کشورهای انقلابی و ضد امپریالیست را کنارزنند. آنها به همین دلیل از تحولات مثبت اخیر، خشمناک و تکرانند. بی بهره نیست، که میزان با اندوه درد همان نغمه ناهنجار و قدیمی را

# چرا رادوی بغداد حزب توده ایران را هدف گرفته است؟

رادوی بغداد، زبان حال حکومت پشی سدام، رژیم سرکوب خلق عراق، که در همکاری با امپریالیسم آمریکا، خاك مین ما را مورد تجاوزات اهریمنانه نظامی قرار داده است، با خشم ناشی از نفی که حزب توده ایران در افشاء توطئه های رژیم سدام بازی کرده و میکند، آتش حمله تبلیغاتی آمیخته با دروغ و دشمنان و بیتان خود را متوجه حزب توده ایران کرده است. رادوی بغداد، که روحانیت مبارز برهبری امام خمینی را هم هدف گرفته است، می کوشد بین حزب توده ایران و مسلمانان انقلابی نفاق افکنی کند و این یک حادنه تصادفی نیست.

تمام دشمنان انقلابی راهی بخش و جنبش های انقلابی و دولت های انقلابی، در همه جا و در همه وقت، در تلاش خود برای درهم شکستن این انقلابها و این جنبشها و این دولتها همواره تبلیغات ضد کمونیستی را بکار گرفته اند و میگیرند. این تبلیغات ضد انقلابی، بویژه زمانی که امپریالیسم و ارتجاع در نیل به هدفهای شوم خود ناکام میشوند، اوج میگیرد.

شیطان بزرگ و شیطانهای کوچک که هدف اصلی خود را نابودی انقلاب ایران و براندازی جمهوری اسلامی ایران قرار داده اند، برای مشوب ساختن افکار عمومی خلقهای مستکش و انقلابی در شناخت دوستان و دشمنان خود و در نتیجه منحرف ساختن جنبش انقلابی و انقلاب، همه نیروی خود را بکار می برند. کاراترین حربه آنها در این زمینه آتی کمونیسم و نفاق افکنی بین کمونیستها و سایر نیرو های انقلابی است.

افتخاری حزب توده ایران درباره رژیم چنانیکسار سدام، حضور فرزندان رشید و فداکار حزب توده ایران، این یاران وفادار انقلاب، در کنار مسلمانان انقلابی در صف مقدم جنگ تجاروی رژیم سدام علیه ایران، دل رژیم پشی سدام را سخت بدرد آورده است، لذا خشم و نفرت رادوی بغداد علیه حزب توده ایران قابل فهم است و برای حزب توده ایران موجب افتخار.

در اینجا نمیتوان این واقعیت را هم ندیده گرفت که همزمان با تشدید حملات رادوی بغداد علیه حزب توده ایران، محافل لیبرالی و مافوق لیستی هم تبلیغات ضد توده ای خود را تشدید کرده اند. این همزمانی و همزمانی با رادوی بغداد - که از معرفی بی نیاز است نباید برای لیبرالها و مافوق لیستی افتخار آمیز باشد، بکس، این همزمانی و همزمانی نشان میدهد که لیبرالها و مافوق لیستی در چه سراسیمهیی به پیش میروند.

در همان حال حملات رادوی بغداد علیه حزب توده ایران، باید برای افراد، گروهها و روزنامه های هوادار انقلاب، که گاه و بیگاه در دام تبلیغات ضد توده ای می افتند، هشدار مجددی باشد. آری، سخن دشمن شادکن، باید ما را هشدار کند و از همزمانی با دشمن بازدارد.

# بخش هایی از...

همان نتیجه عمل آنها را میدهد، بیدار بشوید، توجیه بکنید، اینک یک مکتب است، مملکتی است که مال خودتان شده است، مستقل است، و ایسته به هیچ جا نیست. کاری نکنید این وابستگی که گسسته شده است، دوباره پیوسته بشود...

فرهنگهای غربی را پیش از پنجاه سال است که شما دیدید و هر چه پس این ملت آمده از این فرهنگ غربی آمد، هیر انحرافی که برای جوانان عزیز ما پیدا شده، بواسطه این فرهنگ غربی بود.

من دعاگوی همه شما هستم و باز تاکید می کنم که در جبهه... پیروزی شما در گرو وحدت شماست و در گرو ایمان شماست.

سر میدهد و می نویسد: «از آقای رفسنجانی، که به تازگی از سفر لیبی برگشته اند، سؤال شود که: چه اطلاعاتی راجع به احوال امام موسی صدر، بدست آوردند؟ ماترگران سر نوشت ایشان می باشد.» (۱۹ آذر ۵۹)

و این در حالی است که میزان پس از آغاز تجاوز رژیم سدام به ایران، تمام تلاش خود را بکار برد، تا با توسل به این بهانه و دیگر تبلیغات امپریالیستی، لیبی، سوریه و فلسطین را زیر ضربه قرار دهد و این کشورهای انقلابی مسلمان را «عامل ابر قدرت روس» وانمود کند.

ولی این ارکستر دلخراش و ناهنجار، در واقع ارکستر دلنوازیست! چه چیز نیکوتر از آنکه جمهوری اسلامی ایران در راهی گام نهد که دشمنان بخون پایدار، بپراکنند و تمام کوشش خود را بکار بدهند، تا دست یاری و دوستی این کشورهای انقلابی و ضد امپریالیست را کنارزنند. آنها به همین دلیل از تحولات مثبت اخیر، خشمناک و تکرانند. بی بهره نیست، که میزان با اندوه درد همان نغمه ناهنجار و قدیمی را

# سمت گیری...

بقیه از صفحه ۱

آن توسط امپریالیسم آمریکار کنندگان آن به راه مورد نظری آسان بنظر میرسد، با چنین سیاست خارجی که طلاهای آن مشاهده میشود، پیشگام شکست ناپذیر خواهد بود، و به همین دلیل است که چنین دشمنانش را از روزه و بخش آورده است.

رادوی اویسی، چنانیکسار فرانس و مزدوران سرشاس امپریالیسم آمریکا، که از چنین گرایش، تکران و خشمگین است، با زبان اوباشانه خود می گوید:

«براستی نیز که رژیم ترور و اختلال ملایان، از رژیمهای ترور و ترور بی اصل و ایستی چون سوریه و لیبی و آبرو- باحتگان بین المللی چون حافظه اسد و قذافی باید حمایت کنند!» (از برنام ۳ آذرماه ۵۹)

رادوی اویسی، سپس به ماجرای ربهودشدن عمل سبوسیم صدر، که توسط عمال سبوسیم انجام شد و برای تیره کردن روابط جمهوری اسلامی ایران با لیبی انقلابی، به پای لیبی نوشته شد، اشاره می کند و می گوید:

«مگر این قذافی همان نیست که رادوی خمینی بعنوان چنانیکسار و قاتل موسی صدر از او سخن می گفت؟ مگر همان ماجراجوی مسلمان کنشی نیست که از فروری روابط سیاسی، با دولت اوماها خودداری میکردید و می گفتید تحویل موسی صدر شرط اول

# سوج اعتراض به قتل رهبران انقلابی السالوادور این کشور را فرا گرفته است

تشیع جنازه ۶ تن از رهبران گروه های چه مبارز السالوادور، که بوسیله تروریستهای دست راستی به قتل رسیدند، باشکوه فراوان و با شرکت صدها هزار تن در سان سالوادور برگزار شد. رژیم دست نشانده السالوادور مقررات شدید حکومت نظامی را به منظور جلوگیری از تظاهرات برقرار کرد و واحدهای نظامی و پلیس نقاط حساس شهر را اشغال کردند. هلیکوپترهای نظامی نیز بر فراز شهر به پرواز درآمدند.

# سخت گیری از...

بقیه از صفحه ۱

آمد. در مقابل، دشمن مناطق مسکونی آبادان را مورد حمله توبه ای دروزن خود قرار داد که منجر به زخمی شدن عده ای از مردم میهن ما شد.

خبرنگار خیر گزار ی پارس نیز از کرمانشاه گزارش داد: بعد از ظهر دیریز (جمعه) در جریان نبرد شدید ذلوزن سومار زرمندان جمهوری اسلامی ایران ضربات شدیدی به دشمن وارد کردند، در این نبرد یک پرسنل ژاندارمری شهید و ۳ تن مجروح شدند.

خبرگزاری پارس به نقل از ستاد عملیات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی غرب کشور مستقر در کرمانشاه گزارش داد: برادران پاسدار در عملیاتی در منطقه کینانچم ضربات سنگینی به مزدوران متجاوز وارد ساختند. بر اثر آتش خمپاره پاسداران، یک موضع موشک انداز و تعدادی از سنگرهای دشمن یکلی نابود و ۱۵ نفر از دشمنان انقلاب به هلاکت رسیدند.

خبرگزاری پارس در گزارش دیگری به نقل از سپاه پاسداران غرب کشور گزارش داد: روز گذشته (جمعه) در سرول ذهاب عده ای از مزدوران سدام به هلاکت رسیدند و چند تن از نیروهای دشمن دستگیر و مقداری سلاح و مهمات غنیمت گرفته شد. شما در این به شدت رسیدند.

درگیری ۲ تن از برادران ارتسی به شدت رسیدند.

به گزارش خیرنگار انزامی خبرگزاری پارس، بخشهایی از ارتقاعات منطقه مرزی سران که در اشغال مزدوران متجاوز بود، طی روز گذشته (۱۳ و ۱۴ آذر) توسط مدافعان انقلاب پاکسازی شدند. بر اساس این گزارش در نبرد مناطق جنگی ایلام ۴ نفر از مدافعان انقلاب به شهادت رسیدند و ۱۰ نفر مجروح شدند.

# سخت گیری از...

بقیه از صفحه ۱

آن توسط امپریالیسم آمریکار کنندگان آن به راه مورد نظری آسان بنظر میرسد، با چنین سیاست خارجی که طلاهای آن مشاهده میشود، پیشگام شکست ناپذیر خواهد بود، و به همین دلیل است که چنین دشمنانش را از روزه و بخش آورده است.

### توجه!

مقالات زیر، که در روزهای گذشته در نامه «مردم» بچاپ رسید، برای مطالعه ویژه رفقا توصیه میشود: \* پاسخ به يك دوست مسلمان (شماره ۳۸۰، از «پرسش و پاسخ») \* شیطان بزرگ - آمریکا، در برابر ماست. متحد بشیم! (شماره ۳۸۷).

### کمه مالی به حزب توده ایران يك وظیفه انقلابی است

خانم پری يك حلقه انگشتری طلا بمناسبت عروسی ۲۰۲، يك نیم سکه طلا جنگیر از کرمانشاه ۲۰۰۰ ریال جشید، ۵۰۰۰۰ ریال از دانشکده علوم اجتماعی يك انگکو، يك انگشتری، يك سکه رومی سازمان حزب در بهشهر ۱۴۰۰ ریال سازمان حزب توده ایران در مشهد ۳۸۷۲۰ ریال

علاقتمندان می توانند كمه مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی كرمش وبه شماره ۳۲۳۲ شعبه ۴۱۸ بانك ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند.

**نامه مردم**  
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی  
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه «مردم» هنوز در اختیار نامه «مردم» نیست)

**NAMEH MARDOM**  
No. 388  
7 December 1980

Price:  
West-Germany 0.80 DM  
France 2 Fr.  
Austria 8 Sch.  
England 20 P.  
Belgium 10 Fr.  
Italy 350 L.  
U.S.A. 40 Cts  
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرسی زیر با نامه «مردم» سکتانه کنند:

صندوق پستی ۳۵۵۶/۴۱، منطقه ۱۴ پستی تهران

## چرا «حاشیه نویسی» در دام ضدانقلاب می افتد و با ضدانقلاب علیه حزب توده ایران همزمان می شود؟

روزنامه «جمهوری اسلامی» (۱۵ آذر ماه ۱۳۵۹، صفحه ۱۲) در ستون «حاشیه نویسی» زیر عنوان «حیله کثیف حزب توده»، سطرهای زیر را نوشته است: «از يك دبیرستان دخترانه واقع در حوالی خیابان پیروزی خبر میرسد که توده ایهای خائن کتابهایی با ظاهر اسلامی را در سطح دبیرستان و در کتابخانه دبیرستان پخش کرده اند که روی جلد آن با محتوای کتاب تفاوت بسیار دارد. روی جلد کتاب متعلق به کتاب نظام حقوق زن در اسلام نوشته استاد شهید مطهری و از انتشارات صدرا در قم است. اما خود کتاب یکی از انتشارات حزب توده به نام «ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی» شامل یکصد گفتار برای نخستین آشنائی با شالوده های فلسفی مارکسیستی لنینیستی است.»

«حاشیه نویسی» با افشای يك چنین قلب و جعل انتشاراتی، که می تواند به افشای يك تحریک سیاسی ضدانقلابی و يك پرونده ساری علیه حزب توده ایران كمك جدی بکند، كار درستی انجام داده است. ولی او، بجای گرفتن مچ عاملین این قلب و جعل و تحریک و پرونده سازی، که جز ساواکیها و مائوئیستهای «تربیده» بود، درست برعکس حکم منطبق و خرد، گریبان حزب توده ایران را گرفته است، یعنی درست آن کاری را کرده است که عاملین این قلب و جعل و پرونده سازی منظور نظرشان بوده است. نتیجه این شده که آقای «حاشیه نویسی» در مقاله خود سیلابی از ناسزا و اتهام و توهین و افترا از قبیل: «حیله کثیف»، «خائن»، «روسپاه»، «تنگ و رسوایی»، «منحرف کردن مسیر انقلاب اسلامی»، «نقصاب فریب»، «ماهیت کثیف»، «حیله و نیرنگ»، «رجاله های مزدور»، «قلب و جعل» نثار حزب توده

ایران کرده است. اگر آنچه که «حاشیه نویسی» درباره کتاب مورد بحث و جلد آن گفته است، درست باشد، ما لازم میدانیم چند نکته زیر را تذکر دهیم:

۱- انتشار کتاب «ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی» در داخل جلد کتاب نظام حقوق زن در اسلام، اولاً نه بطور مستقیم و نه غیر مستقیم با حزب توده ایران هیچ ارتباطی ندارد و ما بنوبه خود يك چنین عمل ساواکی و ضدانقلابی را شدیداً محکوم می کنیم. ما هم از مقامات ذیصلاحیت خواستاریم که عامل این قلب و جعل و تحریک ضدانقلابی را پیدا و به مردم معرفی و مجازات کنند.

۲- حزب توده ایران، هم نامش و هم انتشاراتش معروف ایران و جهانست و نیازی به چشم پند و شیادی ندارد. ما به استاد مبارز و شهید مطهری احترام می گذاریم، ولی اعتقاد راسخ داریم که همچنانکه کتابهای آن فاضل شهید و زنده یاد نیازی به «جلد توده ای» ندارد، انتشارات حزب توده ایران هم با کمال صراحت و چون افتاب با نام و نشان خود طلوع می کند و معرفی میشود و انتشار می یابد و نیازی به «دزدیدن» نام و شهرت و اعتبار دیگران ندارد.

۳- تذکر سوم، درباره آقای «حاشیه نویسی» است. ایشان که در يك روزنامه متعهد نویسندگی می کنند، اصولاً بایست همیشه از روی اصل «تعهد» رفتار کنند. ولی متأسفانه، علیرغم برخی مطالب درستی که گاهی برشته تحریر درمی آورند، گاهی درست بمصداق نامشان، در «حاشیه» قرار می گیرند. در مقاله مورد بحث، «از حاشیه» هم فراتر رفته و درست در دام توپله و تحریک افتاده اند که ساواکیها و «تربیده های پوك»، هدف خود قرار داده اند. منظور این تحریک همین است که آقای

### شوخی نیست...!

## بیچاره اصطلاحات!

بند که لیبرال هستم، دیشب خواب دیدم... لیبرال هم میتواند خواب ببیند. اولش خواب خوشی بود، بعد در مغزم قاطی شد و بعد کابوس شد...

اولش خواب دیدم اعلیحضرت را در يك کاتخ پرشکوهی در تالار پهناور مجللی... مثل اینکه مرا احضار فرموده بودند و من برای شرفیابی بحضور مبارک رفته بودم. از دور که مرا دیدند، بظرف من توجه فرمودند. من ایستادم و اعلیحضرت بمن نزدیک شدند. فرمودند: حال شما خوب است؟ عرض کردم: زیر سایه مبارک. فرمودند: راست نمیگوئی؟ تو از ما شکایت کرده ای. چرا از ما به خود ما شکایت نمی کنی؟ من جواب ندادم. اعلیحضرت لبخندی زدند و فرمودند: تترسیده، عیبی ندارد. ما به شکایت شما توجه کردیم. بگوئید شما چه میخواهید. ما میخواهیم جلوی این بلوا را بگیریم. من گفتم: اگر اجازه میفرمائید، عرض کنم. فرمودند: بگو. عرض کردم: قربان، ما آزادی میخواهیم. جان نثار صاحب سرمایه کوچکی هستم حدود ۴۰-۵۰ میلیون تومان، که افزایش سالانه آن خیلی کم است. ما را در معاملات پرسود راه نمیدهند. زیادند اشخاصی که حالا با خارجیها شریک شده اند و زیر سایه مبارک به سودهای صدمیلیونی هم قانع نیستند. قربان، بما ظلم میشود. ما آزادی میخواهیم. تقاضای جان نثار اینستکه دستوری شرف صدور پیدا کند، که فقط خائنین را دستگیر و مجازات کنند. این آخوندها، این توده ایها و از این قبیل که توپله ها می چینند و مردم را تحریک میکنند... اعلیحضرت بمن خیره شدند... بعد با لبخندی فرمودند: میفهمم، شما سهم خودتان را میخواهید... من شما را خواستام تا معاون نخست وزیر بشوید... ما آزادی به شماها خواهیم داد... ما ساواک را مامور خواهیم کرد که همه خائنین را ریشه کن کنند... شما حتی میتوانید حزبی درست کنید که نقش اقلیت را در برابر اکثریت «رستخیز» بازی کند... بما گفته اند که اگر ما بتوانیم بلوا را خاموش کنیم و نظام شاهنشاهی ما محکمتر شود، ما حتی میتوانیم ولیعهد را بجای خود بنشانیم... طبق قانون اساسی... عرض کردم: بله قربان، بله قربان، این بنظر ما...

بعد تالار پهناور مجللی در مغزم قاطی شد... فرودگاه شد... اعلیحضرت خیلی اخمو بودند و حتی مثل اینکه گریه میکردند. هواپیمائی منتظر بوده اعلیحضرت با همه خدا حافظی کردند... میرفتند سوار هواپیمای شوند، سوار شدند... باد تندی برخاست... چاهی زیر پای من دهان باز کرد... من افتادم، معلق زدم، به ته چاه که رسیدم، از خواب پریدم و فریاد زدم.

از صدای فریاد من، همسرم از خواب پرید. گفت: چته. گفتم: هیچ، خواب دیدم که توی چاه افتادم، کابوس بود. گفت: خب، بگیر بخواب. اما خواب از سر من پریده بود. گفتم: عجب روزگاری است. گفت: چه شده؟ گفتم: چه میخواستی بشه. انقلابی شده که کاش نمیشد. این انقلاب همه چیز را خراب کرده و دارد خراب میکند. مسلمانهایی پیدا شده اند که میگویند املاک مردم غصبی است و باید بین دهقانان تقسیم شود. هر روز از این باغ بری میرسد. میخواهند بازرگانی خارجی را ملی کنند. صرافیها را برچیده اند. آزادی را دارند می محدودتر میکنند. بیخود و بی جهت رابطه ایران را با آمریکا برای چند باصلاح کروگان خراب کرده اند. هر کس توانست، آن روزهای اول انقلاب پول خودش را برداشت و رفت. آنهایی که ماندند، نمیدانند با پول خود چکار کنند. بگیرم چند صباحی هم از گرانای سود ببرند. بعد چی؟ دارند کشور را بجائی میبرند که فردا اگر هزار میلیون هم پول داشته باشی، معامله ای نخواهی داشت. اگر ده ها خانه ده طبقه داشته باشی، ۹ تا را از تو بگیرند، پس آزادی کجا رفت؟ ما برای آزادی انقلاب کردیم، که کاش نمیکردیم.

همسرم گفت: حالا چرا تو خودت را کوك میکنی. فکرش را نکن. بگیر بخواب. گفتم: همه اش زیر سر این توده ای های خائن است. هزارتا اصطلاح مارکس انگلیسی... همسرم گفت: مارکس و انگلس... گفتم: فرق نمیکند... هزارتا اصطلاح توی دهن ها انداختند... لیبرال، لیبرالیسم، بورژوازی لیبرال، سرمایه داری وابسته، بزرگ زمین داری، ضدانقلاب، امپریالیسم، تضاد، طبقه، کارگر، دهقان... هزار اصطلاح توی دهنها انداخته اند و همه کارها را خراب کرده اند. همسرم گفت: پس به نظر تو امپریالیسم نیست؟ سرمایه دار نیست؟ کارگر نیست؟ بین اینها دعوا نیست؟ گفتم: نه که نیست تازه اگر هم باشد، اگر این اصطلاحات توی دهن مردم نمی افتاد، خوب، ما میتوانستیم کارها را رو برآه کنیم. گفت: پس بعقیده تو اگر به آب بگویند سنگ آب سفت میشود؟ اگر به تضاد بگویند تضاد و به طبقه بگویند طبقه، کار تو رو برآه میشود... خیلی عصبانی شدم... گفتم: زنکه (هیچوقت بزمن توهین نکرده بودم)... گفتم: زنکه تو هم افتاد ایدئولوژی شده ای. از اطاق خواب خارج شدم، در را محکم بهم کوفتم و رفتم توی آشپزخانه، سیکاری روشن کردم: عجب روزگاری است. آدم دیگر توی خانه خودش هم آزاد... نیست... صدای همسرم بگوش میرسد که میگفت: مرگ پاك دیوانه شده. بیچاره اصطلاحات، اصطلاحات چه گناهی دارند؟ کار تو از بیخ خراب شده...

برای مقابله با تجاوز نظامی امریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

### اتحاد لهستان با کشورهای سوسیالیستی ضامن استقلال و تمامیت ارضی آنست

کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان، خواستار وحدت و یکپارچگی مردم شد. کمیته مرکزی حزب در بیانیه ای اعلام کرد که کشور هنوز در يك بحران رخیم سیاسی درگیر است. کمیته مرکزی حزب تاکید کرد که افرادی در کشور هستند که آشکارا مقاصد ضدانقلابی خود را اعلام می کنند و لازم است این نقشه ها خنثی شود. در بیانیه اضافه شده است که زمان آن فرارسیده است که همه افراد مسئول در لهستان متحد شوند و از سیاست مشترک، عقل سلیم و مسئولیت پیروی کنند.

در بیانیه تاکید شده است که اتحاد لهستان با کشورهای سوسیالیستی خدشه ناپذیر بودن مرزها و استقلال آنرا تضمین میکند.

**تجاوزات مائوئیستهای پکن به ویتنام قهرمان**

بموجب گزارش خیرگزاری ویتنام، برتری طلبان پکن، در يك هفته گذشته به تجاوزات مسلحانه علیه ویتنام سوسیالیستی ادامه دادند. در اواخر نوامبر، يك ستون از نیروهای چینی در ایالت کاو-بانگ از مرز گذشت و بر روی دهقانانی که در مزارع کار میکردند، آتش گشود. در روز ۲۵ نوامبر، ناحیه سین مان، در ایالت هاتوئن زیر آتش چینی ها قرار گرفت. بر اثر این حملات، عده زیادی غیرنظامی کشته و مجروح شدند. از ۲۷ تا ۳۰ نوامبر، صدها هواپیمای نظامی چینی به حریم هوایی ویتنام تجاوز کردند.

این تحریکات با پاسخ دندان شکن مردم نواحی مرزی و نیروهای ویتنامی روبرو شد و متجاوزان چینی هر بار فرار را بر قرار ترجیح دادند.



### توطئه نژاد پرستان آفریقای جنوبی علیه زیمبابوه

رابرت موگابه، نخست وزیر زیمبابوه، ضمن افسانه سیاستهای تجاوزکارانه نژادپرستان آفریقای جنوبی علیه کشورهای همسایه گفت که رژیم آفریقای جنوبی، پنج هزار نفر از ضدانقلابیون و فراریان زیمبابوه را برای خرابکاری در کشورهای مستقل همسایه آموزش میدهد.

موگابه، ضمن تاکید بر سیاستهای تجاوزکارانه آفریقای جنوبی گفت: «بعد از پیروزی خلق زیمبابوه، نژادپرستان آفریقای جنوبی، آموزش خرابکاران و فراریان زیمبابوه را آغاز کردند و قصد دارند خرابکاری و توطئه علیه کشورهای همسایه را شدت دهند.